

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجموعه قوانین کاربردی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی

به کوشش:
فیروزه امینیان



انتشارات حقوقی عدلیه

گوشزد: به دلیل اینکه نمونه فایل ممکن است مدت بیشتری در سایت باشد لذا قیمت و سال چاپ را در نمونه فایل ذکر نمی کنیم و می توانید جدیدترین نوبت چاپ آن را در صفحه سایت (قسمت خرید) مشاهده نمایید. همین نکته بس که این کتاب برای آزمون های ۱۴۰۱ به بعد است و چنانچه به روز آوری نیاز داشته باشد در این فایل اعمال خواهیم کرد.

سرشناسه	امینیان، فیروزه
شناسه افزوده	ابوالقاسم شم آبادی / ناظر
عنوان قراردادی	مجموعه قوانین کاربردی کارشناسی ارشد حقوق عمومی
پدیدآور	ایران. قوانین و احکام. Iran. Laws, etc
مشخصات نشر	تهران: نشر عدلیه،
مشخصات ظاهری	۷۲۶ ص: جدول.
شابک	۹۷۸۳-۱-۹۵۴۷۹-۶۰۰ -
فهرست نویسی	فیپا.
موضوع	حقوق عمومی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	(Public law -- Iran -- Study and teaching Higher)
رده بندی کنگره	۱۴۰۰ م ۳ ۸ الف / KMH۲۰۰۰
رده بندی دیویی	۵۵/۳۴۹
کتابشناسی ملی	۴۷۳۷۲۳۹

- نام کتاب : مجموعه قوانین کاربردی کارشناسی ارشد حقوق عمومی
- مؤلف : فیروزه امینیان
- ناظر: ابوالقاسم شم آبادی
- ناشر : انتشارات حقوقی عدلیه
- نوبت چاپ : دوم
- شمارگان : ۱۰۰۰
- قیمت:

آدرس:

میدان انقلاب - جمالزاده جنوبی - پلاک ۹۴ - طبقه ۴ - واحد ۱۷

تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

Email:nashreadliye@gmail. com

http://www. adlpub. com

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

کانال کارشناسی ارشد حقوق

@ arshadihalaw

فقط اخلاق است که باعث احترام به حقوق معنوی می شود

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه

۷	بخش اول: برنامه ریزی مطالعاتی
۱۱	بخش دوم: فراوانی‌های سوالات (آزمون‌های کارشناسی ارشد حقوق)
۳۳	بخش سوم: قوانین اساسی و اداری
۳۴	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به صورت محشایی)
۱۰۷	قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
۱۳۴	قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری
۱۳۵	آیین نامه داخلی شورای نگهبان
۱۳۷	آیین نامه نحوه اطلاع رسانی شورای نگهبان
۱۳۸	آیین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۴۱	قانون مدیریت خدمات کشوری
۲۰۶	آیین نامه داخلی هیئت دولت
۲۱۰	آیین نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه
۲۱۱	بخشنامه آیین نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه
۲۱۲	شیوه نامه رسیدگی و رفع اختلاف دستگاه‌های اجرایی
۲۱۴	آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در دستگاه‌های اجرایی
۲۱۵	قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۲۱۹	آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۲۲۳	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
۲۳۲	قانون تشکیلات شوراها با آخرین اصلاحات (تا سال ۱۳۹۹)
۲۵۰	آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرها با آخرین اصلاحات
۲۵۴	آیین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی
۲۵۹	قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحی
۲۶۱	آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحی
۲۷۳	قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی
۲۷۴	قانون برگزاری مناقصات
۲۸۱	قانون شرایط عمومی پیمان
۲۹۷	قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری

قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ۲۹۸

آئین نامه اجرائی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران ۳۰۰

اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاریها ۳۰۳

قانون تاسیس دهیاری های خودکفا در روستاهای کشور ۳۰۶

آیین نامه استخدامی دهیاری های کشور ۳۰۶

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۳۰۸

قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی ۳۱۹

قانون نظارت بر رفتار قضات ۳۲۱

آیین نامه استخدام پیمانی ۳۲۶

دستورالعمل اجرایی آیین نامه استخدام پیمانی ۳۲۸

اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی ۳۲۹

قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۳۲

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۳۲

قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۳۲

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران ۳۳۴

قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران ۳۴۱

قانون همه پرسی ۳۴۴

قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۳۴۷

اساسنامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۳۴۸

قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۳۵۱

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی در بخش نظارت» ۳۵۲

قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش ۳۵۳

آئین نامه اجرایی قانون گزینش کشور ۳۵۶

آیین نامه کمیته های گزینش استاد دانشگاهها ۳۶۰

قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه ها ۳۶۱

آئین نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه ها ۳۶۲

قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی ۳۶۳

قانون شهرداری ۳۶۴

آیین نامه مالی شهرداریها ۳۸۰

آیین نامه مالی شهرداری تهران ۳۸۴

طرح تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنان ۳۹۰

- ۳۹۴ تصویب نامه در خصوص دایر نمودن « فرمانداری ویژه » در شهرستانها
- ۳۹۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران
- ۳۹۶ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها
- ۳۹۸ آئین نامه قانون اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها
- ۴۰۲ قانون هوای پاک
- ۴۰۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده
- ۴۱۶ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی
- ۴۲۱ قانون دیوان محاسبات کشور
- ۴۲۸ قانون محاسبات عمومی کشور
- ۴۴۴ آئین نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری
- ۴۴۶ آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان
- ۴۵۳ آیین نامه داخلی شورای روستا
- ۴۵۵ آیین نامه داخلی شورای شهر
- ۴۵۷ آیین نامه داخلی شورای شهرستان
- ۴۵۹ آیین نامه داخلی شورای استان
- ۴۶۱ آیین نامه داخلی شورای عالی استانها
- ۴۶۴ آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا و نحوه انتخاب دهیار
- ۴۶۹ آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شورای اسلامی بخش
- ۴۷۲ آیین نامه اجرایی انتخابات شوراهای اسلامی شهرستان، استان و شورای عالی استانها
- ۴۷۳ آیین نامه نحوه پرداخت حق جلسه و مزایا به اعضای شوراهای اسلامی
- ۴۷۶ قانون مدیریت پسماندها
- ۴۷۷ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها
- ۴۸۰ قانون اصلاح قانون احداث تونل مشترک شهری
- ۴۸۱ آیین نامه اجرایی قانون احداث تونل مشترک تاسیسات شهری
- ۴۸۲ قانون ایجاد شهرهای جدید
- ۴۸۴ سیاست های کلی نظام اداری
- ۴۸۵ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور
- ۴۸۸ قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی
- ۵۰۸ قانون اساسی مشروطه
- ۵۱۳ قانون اساسی فرانسه
- ۵۲۲ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

۵۳۱.....	قانون اساسی آلمان
۵۴۹.....	بخش چهارم: اسناد بین المللی
۵۵۰.....	کنوانسیون حقوق معاهدات
۵۶۴	منشور سازمان ملل
۵۷۸	پیش نویس معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین المللی
۵۸۶	کنوانسیون درباره مزایا و مصونیت های ملل متحد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد
۵۸۹.....	کنوانسیون حقوق دریا
۶۴۴	قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان
۶۴۶	آیین نامه احداث و استفاده از تاسیسات در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ..
۶۴۷	اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری
۶۵۳	اعلامیه جهانی حقوق بشر
۶۵۵	میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
۶۶۲	میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
۶۶۶	کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز
۶۷۱.....	کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن
۶۷۳	کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان
۶۷۸	کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک
۶۸۴	پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات قرارداد وین درباره روابط سیاسی
۶۸۴	پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت
۶۸۵	کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی
۶۹۵.....	اساسنامه دیوان بین المللی کیفری
۷۲۵	قطعه نامه مصوب کنفرانس دیپلماتیک نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در مورد تأسیس دیوان کیفری بین المللی

مقدمه

همانطور که می‌دانیم حقوق عمومی به روابط بین دولت و شهروندان می‌پردازد و روابط سیاسی بین فرمانبران و فرمانبرداران را چهارچوب‌بندی حقوقی می‌کند و از دیدگاه حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ تا حقوق شهروندان تضمین و روابط دولت تنظیم شود. در این ارتباط متقابل قواعدی بر هر دو طرف حاکم است که درک صحیح آن نیازمند شناخت قوانین حاکم بر آنهاست. متأسفانه قوانین حقوق عمومی گستره زیادی داشته و تاکنون در مجموعه کاملی تهیه و تدوین نشده است؛

اهمیت این امر زمانی آشکار می‌شود که در بررسی یک مساله حقوق اداری نیازمند مطالعه یک قانون خاص اداری هستیم؛ اما سری به بازار کتاب و کتابخانه‌ها انداخته اما قانون مدنظر را نمی‌یابیم. دلیل اصلی این امر پراکنده بودن قوانین و مقررات اداری و تغییرات سری آنها و مخصوصاً نسخ سریع برخی از مصوبات است؛ از این رو ما هر روز شاهد این هستیم که مقررات جدیدی به تصویب می‌رسد بدون آنکه از آن اطلاع داشته باشیم. بنابراین در این رابطه ممکن است دانشجوی یا داوطلب با سردرگمی مواجه شود.

به هر حال از دلایلی که باعث گردآوری کتاب مجموعه قوانین آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی شد؛ در حقیقت پراکندگی قوانین مربوط به شاخه عمومی برای داوطلبان کارشناسی ارشد حقوق عمومی بود.

البته باید خاطر نشان کرد که تبعاً این وجیزه دربردارنده همه قوانین حقوق عمومی نیست اما ما سعی کرده‌ایم قوانین و مقررات مرتبط با آزمون را با بررسی سوالات ده سال اخیر گردآوری کنیم و در مواردی به صورت پاورقی، نکته‌ای به آنها اضافه کنیم. حتی المقدور سعی کرده‌ایم قوانین کتاب را به روز نگه داریم و ناسخ و منسوخ را نیز مشخص نماییم و اگر قانون، اصلاحیه یا الحاقیه‌ای داشته، آن را به مجموعه اضافه کنیم.

اضافه بر آن ویژگی دیگری که این مجموعه دارد **Bold** بودن نکات مهمتر قوانین گردآوری شده می‌باشد؛ چنانکه خیلی از نکات مهم تا کنون بارها در تست‌های کارشناسی ارشد طرح شده است؛ همچنین نباید از نظر دور داشت که در ویرایش‌های اخیر هم در نظر داشته‌ایم که سوالات کارشناسی ارشد را با توجه به اهمیت مطلب، در پاورقی و یا حتی متن مورد اشاره قرار دهیم تا کمی مطالعه داوطلبان کاربردی تر شود.

حتماً داوطلبان حقوق عمومی واقفند که در آزمونهای جدید کم و بیش از قوانین اساسی تطبیقی نیز سوال طرح شده است. این موضوع را بایستی داوطلبان کارشناسی ارشد حقوق عمومی در نظر داشته باشند؛ به دلیل اینکه برخی از سوالات از بخش تطبیقی مطرح می‌شود؛ از این رو قوانین اساسی تطبیقی را نیز جهت مطالعه در این کتاب قرار داده‌ایم. البته تأکید می‌شود که حتماً داوطلبان بایستی قوانین و مقررات را بر اساس فراوانی سوالات کارشناسی ارشد و مخصوصاً برنامه ریزی مطالعاتی که در بخش اول کتاب ارائه شده است؛ مورد مطالعه قرار دهند. ضمناً اسناد بین المللی که جدیداً به کتاب اضافه شده است متعلق به سرفصل آزمون حقوق بین الملل عمومی است. بنابراین داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی می‌توانند قوانین و مقررات حقوق اداری، حقوق اساسی و حقوق بین الملل عمومی را در این کتاب مطالعه نمایند با این فرض که قوانین و مقررات این کتاب به صورت کاملاً کاربردی و بر اساس سابقه آزمون ده ساله اخیر، طرح شده است.

در نهایت به این امر واقفیم که کار بزرگی انجام نشده اما در این بی‌نظمی و سردرگمی موجود؛ اثر موجود به نظر می‌تواند راهگشا باشد. النهایه اینکه در تهیه این کتاب مجموعه دلسوز انتشارات حقوقی عدلیه کمک فراوانی داشتند؛ مخصوصاً از مدیر انتشارات آقای ابوالقاسم شم‌آبادی که خود دوره دکتری حقوق عمومی بوده و در مراحل مختلف نکات مهمی گوشزد کردند؛ سپاسگزارم. هر چند به نظر می‌رسد این وجیزه به صورت کاربردی و با دیدگاه آموزشی تهیه شده است اما وجود نواقص و اشتباهات محتمل به نظر می‌رسد؛ لذا باعث امتنان است که حقیر را از پیشنهادات و گوشزدهای خود راهنمایی و منتفع نمایید.

فیروزه امینیان

بخش اول:

برنامه ریزی مطالعاتی

برنامه ریزی جهت مطالعه قوانین و مقررات آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی

حتما داوطلبان محترم در جریان این نکته هستند که برخی از اوقات تسلط بر یک قانونی دهها بار مرور می‌خواهد. این موضوع در مورد آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی اهمیت فراوانی دارد؛ به دلیل اینکه سوالاتی که در آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی طرح می‌شود ممکن است دربردارنده یک نکته ظریفی باشد که با مطالعه گذرا و یا حتی حفظ کردن نتوان بر آن مسلط شد؛ پس اینکه برخی می‌گویند من با یک بار مطالعه بر یک ماده قانونی کاملا مسلط می‌شوم برای آزمون کارشناسی ارشد کار آرایبی ندارد و حداقل برای عموم داوطلبان دیدگاه پذیرفته شده‌ای نیست. (چون راه حل نخبه شدن و رفع فراموشی، تکرار مکرر است) از این رو داوطلب محترم باید برخی از مواد یک قانون را آنقدر بخواند که مسلط مسلط شود و یا آنقدر دقیق بخواند که در یکی دوبار مطالعه کاملا مسلط شود. داوطلبانی که رتبه‌های زیر ۵۰ کسب می‌کنند معمولاً بر قوانین تسلط خوبی داشته‌اند. در سه سرفصل آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی (یعنی حقوق اساسی - حقوق اداری - حقوق بین الملل عمومی) شاید بتوان گفت که حدود ۷۰ درصد سوالات از قوانین و مقررات اساسی و اداری و اسناد بین‌المللی طرح می‌شود و تسلط بر ۷۰ درصد این سه سرفصل یعنی کسب رتبه زیر ۱۰۰؛ بنابراین طبق تجربه‌ای که ما از آزمون‌های کارشناسی ارشد حقوق عمومی کسب کرده‌ایم؛ قوانین را بر اساس اهمیت آزمون و فراوانی طرح سوالات از قوانین و مقررات و اسناد بین‌المللی درجه بندی کرده‌ایم؛ یعنی داوطلبان لازم است ابتدا قوانین درجه یک را مسلط شوند و بعد از آن سراغ مطالعه قوانین درجه دو بروند. قوانین درجه سوم هم ابتدا به ساکن غیر ضروری هستند مگر برای داوطلبی که دنبال کسب رتبه تک رقمی می‌باشد و یا فرصت چند ساله برای مطالعه دارد.

ضمناً یادآوری می‌شود؛ برای برنامه ریزی کاربردی: سوالات کارشناسی ارشد حقوق در ده سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته است.

قوانین و مقررات دارای اهمیت درجه یک (قوانین و مقررات بسیار مهم):

قوانین و مقررات اساسی و اداری: قانون اساسی و نظریات تفسیری شورای نگهبان - قانون مدیریت خدمات کشوری - قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری - قانون شوراها - قانون برگزاری مناقصات - قانون گزینش - قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه آن - قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی با اصلاحیات جدید آن - قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری - قانون انتخابات مجلس - قانون منع تصدی بیش از یک شغل دولتی - قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد

اسناد بین‌المللی: کنوانسیون حقوق معاهدات - کنوانسیون حقوق دریاها - منشور سازمان ملل - پیش نویس مسئولیت بین‌المللی کشورها در اعمال متخلفانه بین‌المللی - اعلامیه جهانی حقوق بشر - اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری - کنوانسیون حقوق دیپلماتیک

معمولاً چند بار باید این قوانین مرور شود؟ به حدی که مواد را کاملاً مسلط شوید و اگر به طور نمونه از شما پرسیده شد اصل ۱۱۳ قانون اساسی، فوراً بدانید که متن این اصل قانون اساسی چه بوده و چه می‌گوید و یا نکته اصلی این اصل چه بوده و اینکه چه نظریات تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل وجود دارد و حتی اینکه چه ابهاماتی دارد. (و اگر از شما هر موقع پرسیده شد باید مانند بلب حرف زد و متن ماده را تحلیل کرد) طبق تجربه داوطلبان بین ۱۰ الی ۱۵ بار قوانین این گروه را مطالعه می‌کنند. خلاصه آنکه باید آنقدر مسلط شد که تا سال‌ها و یا ماه‌ها حفظیات و محتوای اصلی مواد در خاطر داوطلب بماند.

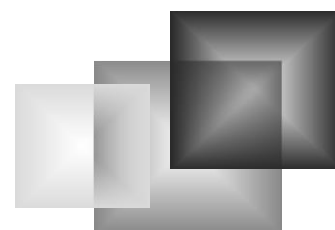
قوانین و مقررات دارای اهمیت درجه دو (قوانین و مقررات مهم):

و
و
و
و
و
و
و

قوانین و مقررات دارای اهمیت درجه سه (قوانین و مقررات غیر ضروری):

و
و
و
و
و
و
و

بخش دوم:
فراوانی‌های سوالات
(آزمون‌های کارشناسی ارشد حقوق)



**فراوانی سوالات مرتبط با قوانین و مقررات آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی سال ۱۳۹۹
(حقوق اساسی)**

تعداد کل سوالات: ۱۵ تعداد سوالات مرتبط با قوانین: ۷

قانون اساسی	۳ سوال اصول: ۲۹-۵۶-۹۱-۱۳۸
قانون آیین نامه داخلی مجلس	۱ سوال مواد: ۱۳۲-۱۳۷
قانون انتخابات مجلس	۱ سوال ماده ۸

**فراوانی سوالات مرتبط با قوانین و مقررات آزمون کارشناسی ارشد حقوق عمومی سال ۱۳۹۹
(حقوق اداری)**

تعداد کل سوالات: ۱۵ تعداد سوالات مرتبط با قوانین: ۱۳

قانون شوراها	۱ سوال مواد: ۷۷
قانون مدیریت خدمات کشوری	۱ سوال مواد: ۵۳ و ۵۴
قانون گزینش	۱ سوال ماده ۷
قانون تقسیمات کشوری	۱ سوال مواد ۲ الی ۹
قانون برگزاری مناقصات	۱ سوال مواد ۱۴ الی ۱۷
قانون رسیدگی به تخلفات اداری	۱ سوال مواد ۱۹ و ۲۴
قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری	۲ سوال مواد: ۱۶-۹۳
قانون فهرست نهادهای عمومی غیر دولتی	۱ سوال
قانون اساسی	۲ سوال اصل ۱۵۸-اصول ۱۹ و ۲۰
قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد	۱ سوال ماده ۱
قانون مدنی	۱ سوال ماده ۹۸۲

فرآوانی سوالات حقوق بین الملل عمومی در آزمون ۱۳۹۹ کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

تعداد سوال	موضوعاتی که در آزمون ۹۹ سوال طرح شده است.	سرفصل ها
سوال ۵	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ مصادیق سیاق معاهده Ⓒ پذیرش شرط (در مواردی که منوط به قبول همه اعضای معاهده است). Ⓒ تغییر بنیادین اوضاع و احوال (در چه نوع معاهداتی نمی تواند موجب فسخ یا خروج از معاهده شود). Ⓒ ارزش حقوقی مقدمه معاهده Ⓒ امضا و تصویب معاهده (تعهدات کشورها از زمان تصویب معاهده) 	حقوق معاهدات
سوال ۲	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ نقض تعهدات ناشی از حقوق بشر (در شهادت قاسم سلیمانی) Ⓒ حق تعیین سرنوشت مردم 	حقوق بشر
سوال ۲	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ بهره برداری از فلات قاره (شامل منابع جاندار می شود و در منطقه انحصاری اقتصادی شامل همه منابع می شود). Ⓒ حق عبور بی ضرر (درباره عبور کشتی های با سوخت هسته ای یا حامل مواد هسته ای و خطرناک از آب های سرزمینی کشورهای خارجی) 	حقوق دریاها
سوال ۱	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ انهدام پهپاد آمریکایی در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ 	قضایای بین المللی
سوال ۳	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ اعتراض های مقدماتی و ما بعد در دیوان در مواردی که در اساسنامه مشخص شده است. Ⓒ دعوی متقابل (کشور خواهان در دیوان بین المللی دادگستری، ممکن است خوانده واقع شود). Ⓒ صدور دستور موقت در مراجع داوری بین المللی 	دیوان بین المللی دادگستری و داوری
سوال ۴	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ مکتب حقوقی طبیعی یا فطری Ⓒ نظریه «Longi Temporis»، قاعده مربوط به ضرورت وجود عملکرد طولانی دولت ها جهت ایجاد عرف بین المللی بوده که سابقاً ضرورت داشته و امروزه منتفی است. Ⓒ دوگانگی حقوقی Ⓒ دکترین یا نظریه برجسته ترین علمای حقوق بین الملل (دکترین موجد سابقه عرفی نیست). 	اصول و مبانی
سوال ۲	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ مسئولیت دولت معاون Ⓒ اشکال جبران خسارت (که زائل کننده وصف متخلفانه عمل است). 	مسئولیت بین المللی
سوال ۱	<ul style="list-style-type: none"> Ⓒ معافیت های مالیاتی 	حقوق دیپلماتیک

و

و

و

و

و

و

و

بخش سوم: قوانین اساسی و اداری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸) (به صورت محشایی)

مقدمه قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی^۱ می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده‌های اخیر، **مکتبی و اسلامی بودن** آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی **مشروطه** و **نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت** به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضتها، **مکتبی نبودن مبارزات بوده است**. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را برعهده داشت ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد. از این‌جا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. **(آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد)**

طلیعه نهضت

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به **توطئه آمریکایی «انقلاب سفید»** که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی بود، **عامل حرکت یکپارچه ملت گشت** و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خرداد ماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود، مرکزیت امام را به‌عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم **امت** با امام همچنان استمرار یافت و **ملت** مسلمان و بویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند. در این میان قشر آگاه و مسوول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پر بار اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را در بالابردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پر خروش انقلاب آغاز نموده بود، به مذبح‌خانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان، جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندانهای درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگهان در میدان‌های تیر، فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند، انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانی‌ها و پیام‌های پی در پی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزونتر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد، انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت. در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری وانعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را بشدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح بازکردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طور گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و بویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن، خاموش کند، اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و تپش‌های پی در پی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزونتری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور **با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی** در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند، همبستگی گسترده مردان و زنان **از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی** در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود و **مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند**، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد، بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

^۱ - **نکته:** در اینجا برداشت دینی و فرا کشوری و اسلامی از یک گروه انسانی مدنظر قرار گرفته است. برای اینکه بتوان کلمه امت را از اصطلاحات دیگر بازشناخت به نکات ذیل توجه نمایید:

ملت: اصطلاحی است حقوقی که به معنای گروه انسانی است که در یک سرزمین زیر نظر قدرت یک دولت هستند. به بیان دیگر ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف نمود که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. برای ملت نظریات ارگانیکی و مکانیکی ارائه شده است. **امت:** یک برداشت دینی است که مرز ندارد و در اصل ۱۱ قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. **ملیت و تابعیت:** رابطه حقوقی و سیاسی اشخاص با یک دولت معین که در اصل ۴۲ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. **شهروند و شهروندی:** فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت، تکلیف‌هایی برعهده دارد. بنابراین اتباع یک کشور یا دولت، همان شهروندان می‌باشند که حقوق و تکالیف آنان توسط قوانین اساسی و مدنی تعیین می‌گردد. رابطه تابعیت، رابطه شهروندی نیز می‌باشد.

بهای که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با برجای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «**استقلال، آزادی، حکومت اسلامی**» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد. ۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را درهم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی وقاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸٪/۲ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای **تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی** بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود رایج نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تاراه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی **تضمینگر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی** می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون **هدف از حکومت**، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله مصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در **گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه**^۱ نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خوددست‌اندرکار و مسوول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)

ولایت فقیه

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا **ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی** خود باشد.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و **فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود** از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پیرای مادر در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسوولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

^۱ - اصل مشارکت عمومی اولین اصل از اصول دموکراسی است. {اصول دموکراسی عبارت بودند از: الف) حق مشارکت همگانی ب) وجود آزادی‌ها ج) تسامح و تحمل چندگانگی سیاسی د) حکومت اکثریت و احترام به اقلیت ه) اصل برابری همه انسان ها و) توزیع خردمندانه قدرت.}

ارتش مکتبی^۱

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد بدین جهت **ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب^۲** در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم).

قضا در قانون اساسی

مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی، پیش‌بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی ودقت در **مکتبی بودن** آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکمو بالعدل)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت، بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد، بدین جهت **نظام بوروکراسی^۳** که زاینده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است، بشدت طرد خواهد شد **تا نظام اجرایی با کار آیی بیشتر و سرعت افزونتر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.**

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی جدا پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که **آزادی و کرامت انبای بشر** را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید برعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسوولین کاردان و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید این که در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس)

نمایندگان

مجلس خبرگان {جهت آزمون: مجلس خبرگان قانون اساسی، قوه موسس قانون اساسی سال ۵۸ بود} متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را براساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود^۴ در دوازده فصل که **مشمول بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد {جهت آزمون: این مقدمه مربوط به زمان سال ۵۸ است. بنابراین متوجه می‌شویم این مقدمه، در بازنگری سال ۶۸ تغییری نیافته است.}** در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، **قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین** گردد.

"ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به **حکومت حق و عدل قرآن**، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره)، در همه پرس‌های دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٪/۲ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد."

✓ فصل اول: اصول کلی

نوع حکومت؛ جمهوری اسلامی

اصل ۱- حکومت ایران جمهوری اسلامی^۵ است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به **حکومت حق و عدل قرآن**، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرس‌های دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٪/۲ کلیه کسانی که **حق رأی** داشتند، به آن رأی مثبت داد.

نکته پس متوجه این نکته می‌شویم که:

^۱ - **نکته:** مطابق مقدمه قانون اساسی، اصل اساسی تشکیل ارتش، مکتبی بودن است.

^۲ - **سوال دکتری سال ۹۸- براساس مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ و حراست از مرزها و جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان، برعهده کدام مورد است؟**

(۱) ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲) نیروهای نظامی و انتظامی (۳) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۴) ارتش جمهوری اسلامی

گزینه ۱ صحیح است.

^۳ - بوروکراسی، نظامی است که تئوریسین آن ماکس وبر است.

^۴ - **سوال دکتری سال ۹۸- برابر مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، مبنای نگارش این قانون، کدام مورد بوده است؟**

(۱) پیشنهادهای شورای انقلاب و طرح‌های پیشنهادی دولت (۲) پیشنهادهای دولت و اصلاحات پیشنهادی از سوی مراجع تقلید

(۳) پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهای گروه‌های مختلف مردم (۴) پیش نویس پیشنهادی دولت و اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس خبرگان

پاسخ تشریحی: بر اساس مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، مبنای نگارش قانون اساسی پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهای گروه‌های مختلف مردم بود. این قانون در همین سال (۱۳۵۸) توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۷ اصل تصویب شده و همان سال (در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر سال ۵۸) به همه‌پرسی گذاشته شد.

گزینه ۳ صحیح است.

^۵ - **نکته:** **جمهوریت مربوط به شکل نظام است و اسلامیت مربوط به محتوا (قوانین و مقررات باید مبتنی بر موازین اسلامی باشد که اصل).** مطابق اصل جمهوریت رای و نظر مردم محترم شمرده شده است (با اصل ۶ مرتبط است) مطابق اصل ۴ قانون اساسی همه قوانین و مقررات بایستی مبتنی بر اسلام باشند.

• اولین همه پرسی درباره شکل نظام (جمهوریت و اسلامیت نظام) بود که در اصل اول قانون اساسی اشاره شده است.
 • دومین همه پرسی نیز مربوط به تصویب متن قانون اساسی بود که خبرگان قانون اساسی متن آن را تهیه کرده بودند.
 بر اساس مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، مبنای نگارش قانون اساسی پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادها گروه‌های مختلف مردم بود. این قانون در همین سال (۱۳۵۸) توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۷ اصل تصویب شده و همان سال (در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر سال ۵۸) به همه پرسی گذاشته شد. قانون اساسی سال ۱۳۵۸ بر اساس همه پرسی تصویبی تصویب شده است. (معنای همه پرسی تصویبی این است که متن توسط حکومت آماده شده و فقط نظر مردم پرسیده می شود که در قالب تصویب و یا عدم تصویب متن پیشنهادی است) که بایستی با آری یا نه موافقت یا مخالفت خود را با حکومت جمهوری اسلامی اعلام می کردند.
 معمولاً سه گونه همه پرسی در حقوق اساسی پیش بینی شده است:

۱) همه پرسی تقنینی: وقتی است که در مسائل مهم امر قانونگذاری (اعمال قوه مقننه) به آرای عمومی گذاشته می شود.

۲) همه پرسی سیاسی: وقتی است که رئیس کشور برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فوق العاده با مراجعه به اکثریت آرای مردم اعتماد آنها را نسبت به خود جلب می کند.

۳) همه پرسی سیاسی: که برای تجدید نظر در قانون اساسی صورت می گیرد.

سوال دکتری سال ۹۹- به موجب قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران کدام مورد را حق همه مردم جهان می شناسد؟

۱) استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل ۲) نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری

۳) سعادت انسان در کل جامعه بشری ۴) پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه

پاسخ تشریحی: با توجه از مطالب بیان شده در مقدمه قانون اساسی، اصل ۱ و ۹ قانون اساسی حکومت حق و عدل و استقلال و آزادی را حق همه مردم جهان می شناسد.

*گزینه ۱ صحیح است.

آزمون دکتری سال ۹۲- همه پرسی برای تعیین شکل حکومت پس از انقلاب اسلامی در ایران بود.

۱) تصویبی ۲) مشورتی

۳) پله بیسیت ۴) در حکم تقنینی

پاسخ تشریحی: بعد از شکل گیری انقلاب اسلامی تصویب قانون اساسی بعد از انجام امور مقدماتی آن بر عهده مردم گذاشته شد. بنابراین از مردم به صورت رأی آری یا نه خواسته شد که به آن رأی دهند. پس همه پرسی به سبک تصویبی است چراکه مردم و مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی آن را تصویب کردند.

*گزینه ۱ صحیح است.

مبانی و پایه های نظام جمهوری اسلامی

اصل ۲- جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی

ملی را تأمین می کند.

نکته در اصل ۲ پایه های نظام ایمانی حکومت بیان شده است: توحید- نبوت- معاد- عدل- امامت- کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت

او در برابر خدا

وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی ایران

اصل ۳- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷- تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱- **نکته:** اصل همبستگی، مربوط به نسل سوم حقوق بشر است.

- ۱۲- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه.
- ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
- ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

نکته منظور از مشارکت در بند ۸: مشارکت عمومی از طریق انتخابات است. در بند ۹ به رفع تبعیضات ناروا اشاره شده است که به نظر برخی (مانند دکتر سید محمد هاشمی) تبعیض، تبعیض است و ناروا و روا ندارد. بنابراین از ابتدا به ساکن رد می‌شود اما در قوانین ایران تبعیض روا به رسمیت شناخته شده است و این موضوع فقط در موارد خاص و برای مدت معین و با تصویب قانونگذار امکانپذیر است.

نکته ۳ اصل بنیادین حقوق بشری در اصول مختلف قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است:

۱. آزادی در اصل ۹
۲. کرامت انسانی در بند ۶ اصل دوم: که در اینجا نظر تدوین کنندگان قانون اساسی (منظور از تدوین کنندگان **مجلس بررسی نهایی قانون اساسی** می‌باشد).
۳. تساوی در بند ۹ ماده ۳ (با عنوان رفع تبعیضات ناروا)

سوال دکتری سال ۹۹: طبق اصول قانون اساسی، دولت باید به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛ از چه راه‌هایی اقدام نماید؟

- (۱) وام بلاعوض، تعاونی و تنظیم برنامه‌های اقتصادی (۲) تعاونی، وام بدون بهره، یا هر راه مشروع دیگر
(۳) استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر (۴) تأمین اجتماعی، منع انحصار و احتکار

پاسخ تشریحی: طبق بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه جهت برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه کار یکی از وظایف دولت است. دولت مطابق قانون اساسی، باید به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند از راه تعاونی، وام بدون بهره، یا هر راه مشروع دیگر قرار دهد: **اصل ۴۳ قانون اساسی:** «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.»

*گزینه ۲ صحیح است.

ضرورت ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی

اصل ۴- کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.

نکته همانطور که در پاورقی اصل اول ذکر شد؛ حکومت ایران بر اساس جمهوری اسلامی است. جمهوریت نشانه این است که از نظر شکلی، حکومت مبتنی بر دموکراسی، انتخابات و مشارکت عمومی است. اما اسلامیت به معنای این است که همه قوانین و مقرراتی که در کشور مورد تصویب قرار می‌گیرد باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل همانطور که ذکر شده، اطلاق دارد و شامل همه قوانین و مقررات و حتی خود قانون اساسی می‌شود؛ اما نکته مهم دیگر این است که نظارت بر تطبیق یا عدم تطبیق مقررات و قوانین با شرع بر عهده فقهای (چون تطبیق قوانین با موازین اسلامی جزو وظایف فقهای شورای نگهبان است و نه حقوقدانان بنابراین فقط توسط ۶ فقیه شورای نگهبان این موضوع مورد تطبیق قرار می‌گیرد.) شورای نگهبان^۱ است. (که در اصول ۹۴ به بعد وظایف شورای نگهبان که متشکل از ۶ فقیه و ۶ حقوقدان بوده شرح داده شده است)

نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل چهارم قانون اساسی: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر بعهده فقهای شورای نگهبان است، بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضائی اجراء می‌گردد و شورای عالی قضائی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهاء شورای نگهبان ارسال دارید.»^۲

سوال دکتری سال ۹۸: با توجه به نظر شورای نگهبان، در خصوص نظارت شورای نگهبان بر لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) عدم صلاحیت نظارت بر مصوبات خلاف شرع
(۲) عدم صلاحیت نظارت بر مصوبات خلاف قانون اساسی
(۳) صلاحیت نظارت بر مصوبات خلاف قانون اساسی، در مواردی که از سوی رئیس جمهوری ارجاع داده شود.
(۴) صلاحیت نظارت بر مصوبات خلاف شرع و قانون اساسی، در مواردی که از سوی رئیس جمهوری ارجاع داده شود.

^۱ - شورای نگهبان در حقوق عمومی به *دانش حقوق اساسی* معروف است. این شورا الگو برداری از سیستم شورای قانون اساسی فرانسه است که در زمان انقلاب فرانسه توسط *امانوئل سی‌سی* اشاره شد. بعد از کارکرد خوب شورای قانون اساسی فرانسه، کشورهای مختلف و از جمله ایران از قانون اساسی فرانسه الگو برداری کردند؛ منتها در کشورمان شورای نگهبان دو وظیفه اصلی در بحث تطبیق دارد: تطبیق با قانون اساسی - تطبیق با شرع / حال دلیل نامگذاری شورای نگهبان چیست؟ برای اینکه نگهبان قانون اساسی و شرع است.

^۲ - **نکته حقوق اداری:** آیا قضات دیوان نیز تکلیف به ارسال مصوبه‌ها به فقهای شورای نگهبان را دارند؟ قضات دیوان عدالت اداری و همچنین هیات‌های تخصصی دیوان عدالت اداری مکلفند قبل از بررسی مصوبه‌ای اگر آن مصوبه برخلاف مبانی فقهی و شرعی بودن آن را ابتدا برای شورا ارسال دارند که بعد از اظهار نظر فقهای شورا نسبت به آن مصوبه رای خواهند داد.

پاسخ تشریحی: در قانون اساسی تکلیف این موضوع روشن نشده است. با این وجود، اصل نظارت شامل قوانین پیش از و بعد از انقلاب نیز خواهد شد؛ زیرا احتمال وجود قانون خلاف شرع در مجموعه قوانین پیش از انقلاب، منتفی نیست. از سوی دیگر، با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، قوانین غیر منطبق با موازین شرعی

در جمهوری اسلامی ایران اعتباری ندارد. با توجه به این که هیچ مرجع دیگری غیر از شورای نگهبان برای تطبیق قوانین با شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، بنابراین، اصل نظارت شرعی شورای نگهبان شامل قوانین پیش از انقلاب نیز خواهد شد. شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری، خود را برای بررسی قوانین پیش از انقلاب، صالح دانسته و در پاسخ به استفساربه شورای عالی قضایی مقرر داشته است: «**مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق، کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق با موازین اسلام باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است...**».

*گزینه ۲ صحیح است.

ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت

اصل ۵- در زمان غیبت حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

نکته بنابراین رهبر باید عادل باشد و تقوا پیشه کند؛ آگاه به زمان باشد(آشنا با شرایط روز) مدیر و مدبر باشد. در صورت از دست دادن این ویژگی ها **نهاد ناظر رهبری یعنی مجلس خبرگان** می تواند وی را عزل کند. ضمنا جهت اطلاع از نحوه انتخاب و نظارت بر او به اصول ۱۰۷ الی ۱۰۹ قانون اساسی مراجعه نمایید.

اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی

اصل ۶- در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

نکته منظور از اتکاء به آرای عمومی یعنی اینکه جمهوریت کشور بر اساس رای و نظر مردم باشد؛ که از راه انتخاب به نماینده خود رای می‌دهند(این موضوع به اصل نمایندگی معروف است)/ حال انواع انتخابات در کشور کدام است؟ انتخاب رئیس جمهور/ نمایندگی مجلس که این دو را شورای نگهبان نظارت استصوابی دارد.(از ثبت نام تا انتخاب و حتی دوران نمایندگی) اما انتخابات شوراهای که برخلاف دو مورد قبلی امری محلی است، نظارتش با مجلس نیست. بلکه زیر نظر مجلس شورای اسلامی است.(بنابراین شورای نگهبان بر انتخابات شوراهای نظارت ندارد)/ حال این نهاد زیر نظر مجلس که بر انتخابات شوراهای نظارت می‌کند؛ چه نام دارد و از چند نفر تشکیل شده است؟ از ۴ نفر نماینده مجلس تشکیل یافته است و اسم نهاد نظارتی، هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای است.)

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۷: نظریه کار ویژه ای رأی، ناشی از کدام اندیشه حاکمیت است؟

- (۱) تقسیم شده
(۲) ملی
(۳) طبقاتی
(۴) الهی

پاسخ تشریحی: نظریه کار ویژه رای ناشی از حاکمیت ملی است. در اسلام رای دادن هم حق ملت است و هم تکلیف آنان
*گزینه ۲ صحیح است

نقش شوراهای در تصمیم‌گیری و اداره امور کشور

اصل ۷- طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاوورهم فی الامر»، شوراهای، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

نکته منظور از اینکه جزء ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند؛ چیست؟ اصل بر این است که شوراهای محلی هم جزو ارکان تصمیم‌گیری هستند و در اداره امور کشور نیز جایگاهشان به رسمیت شناخته شده است؛ اما باید دقت کرد که این موضوع از نظر حقوق اداری، **در راستای تحقیق عدم تمرکز اداری** است(به بیان دیگر به شهرستانها اجازه داده می‌شود در امور محلی خود بتوانند تصمیم‌گیری نمایند. البته این شوراهای در زمان تصویب مصوبات باید قوانین فرادست را رعایت کنند مانند قوانین مصوب مجلس و مصوبات دولت) ضمنا تا دهه ۱۳۴۰ کشور بر اساس اصل تمرکز اداره می‌شد تا اینکه اولین قوانین در مورد شوراهای تصویب شد که عملا مورد اجرا قرار نگرفت تا اینکه بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۵ قانون شوراهای تصویب شد. البته تا سال ۹۸ بسیاری از مواد این قانون مورد اصلاح قرار گرفته است.

و
و
و
و
و
و
و
و
و
و

قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶ با آخرین اصلاحات)

قبل از شروع به مطالعه قانون مدیریت خدمات کشوری چند نکته را بد نیست؛ بدانید:

اولا اینکه قانون مدیریت خدمات کشوری دائمی شده است: این قانون قبلا موقتی بود؛ اما در اسفند سال ۹۷ مجلس تصویب کرد که «از تاریخ انقضای مدت آزمایشی آن» دائمی می‌شود. ضمنا یک سوال هم در آزمون آمده بود با این عنوان که آیا قانون قبلی (استخدام کشوری) نسخ شده است؟ در پاسخ باید گفت باید بر اساس این قاعده عمل کرد:

ثانیا اینکه آیا قانون مدیریت خدمات کشوری را نسخ کرده است؟

۱. در مواردی که قانون مدیریت حکمی مغایر با قانون استخدام دارد، مقرر قانون استخدام کشوری، نسخ شده است.

۲. در مواردی که قانون استخدام حکمی دارد که در قانون مدیریت وجود ندارد؛ مواد قانون استخدام کشوری حاکم است.

۳. در مواردی که هر دو قانون حکمی درباره موضوعی دارند؛ مسلما اگر مانند هم باشد هر دو حاکم است و الا قانون مدیریت.

بنابراین قانون استخدام کشوری به صورت کلی نسخ نشده است و برخی از مواد آن هم اکنون نیز مجری است. به طور نمونه مثلا حالت‌های مختلفی استخدامی در قانون استخدام کشوری تعریف شده است که قانون مدیریت ندارد. (اتفاقا همین حالت‌ها در آزمون محل طرح سوال است.)

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- وزارتخانه: واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به موجب قانون^۱ ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌گردد.

ماده ۲- مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد.

کلیه سازمانهایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.^۳

ماده ۳- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است^۵ و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.^۶

{**گوشزد آزمونی:** نهادهای عمومی غیردولتی، حد واسط بین دو نهاد هستند: ۱/ مؤسسات دولتی به مفهوم عام کلمه اعم از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ۲/ نهادهای بخش خصوصی.

نکته آزمونی: در مورد تفاوت مؤسسات عمومی غیردولتی با مؤسسات دولتی: به قول غلامرضا دکتر مولایی/ از قضات دیوان عدالت اداری/ تفاوت اصلی فقط در بودجه آنها است چرا که هم مؤسسه عمومی و هم مؤسسه عمومی غیردولتی عهده دار وظایف و خدماتی هستند که جنبه عمومی دارد و هم هر دو استقلال حقوقی نیز دارند. ضمنا هر دو توسط قانون مصوب مجلس ایجاد می‌شوند. }

قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳ با الحاقات بعدی

با جدیدترین الحاقات، مؤسسات عمومی غیر دولتی اکنون، شامل ۲۵ آئتم می‌باشد.

۱. **شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به شهرداری‌ها باشد...**
۲. **بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.**
۳. **هلال احمر.**
۴. **کمیته امداد امام خمینی (ره).**
۵. **بنیاد شهید انقلاب اسلامی.**

^۱ وزارتخانه‌ها به موجب قانون مصوب مجلس ایجاد می‌شوند و انحلال آنها هم نیازمند تصویب نمایندگان مردم در مجلس است. **ادغام دو یا چند وزارتخانه هم با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس صورت می‌گیرد.**

نکته: آیا وزارتخانه شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد؟ خیر، چرا که شخصیت حقوقی وزارتخانه و دولت یکی است. نهادهایی که در مواد بعدی آمده را دقت کنید؛ مشاهده می‌کنید که شخصیت حقوقی مستقل دارند.

^۲ از نظر قانونگذار، فعالیت‌های غیرانتفاعی دولت بصورت مؤسسه دولتی، تحت قواعد حقوق عمومی اداره می‌شود. با آنکه هدف از مؤسسات دولتی جداکردن آن از وزارتخانه‌ها و تأمین استقلال نسبی آنهاست ولی در کل تابع قواعد حقوق عمومی هستند. در واقع با دادن استقلال به این سازمان‌ها، آزادی عمل بهتری داده می‌شود تا بتواند با مؤسسات خصوصی رقابت کند و از کشمکش سیاسی و اداری و اعمال نفوذ به دور باشد.

^۳ سابقه طرح سوال دارد: **آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۲**

^۴ **نکته:** اخیرا اتکا و صندوق‌های «توسعه نوآوری و شکوفایی» و «کارآفرینی امید» نیز به فهرست مؤسسات عمومی غیر دولتی اضافه شده‌اند.

نکته: مؤسسات ایجاد شده توسط مؤسسات عمومی غیر دولتی آیا غیردولتی هستند؟ در صورتی که مؤسسه‌های وابسته به این نهادها برای اجرای امور غیردولتی و غیرانتفاعی تشکیل شده باشند و بیش از ۵۰ درصد بودجه آنها از محل منابع غیر دولتی تشکیل شده باشد آنها نیز مؤسسه عمومی غیر دولتی محسوب می‌شوند. بنابراین این مؤسسه‌ها نیز باید بیش از ۵۰ درصد بودجه سالیانه آنها از منابع غیردولتی تأمین بشود و عهده‌دار خدماتی باشند که جنبه عمومی دارد.

^۵ چرا باید یک نهادی شخصیت حقوقی مستقل داشته باشد؟ به دلیل اینکه بتواند با فراغ بال و نفوذ کمتر دولت، کارها را به سامان دهد. برای همین در ماده ۲ و ۳ و ۴ گفته شده است که مؤسسات دولتی، مؤسسات عمومی غیر دولتی و شرکت دولتی دارای استقلال حقوقی دارند.

^۶ سابقه طرح سوال دارد: **آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد سال ۹۰**

۶. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

۷. کمیته ملی المپیک ایران.

۸. بنیاد پانزده خرداد.

۹. سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰. سازمان تأمین اجتماعی.

۱۱. فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران.

۱۲. مؤسسه جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی.

۱۳. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی.

۱۴. کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.

۱۵. جهاد دانشگاهی.

۱۶. بنیاد امور بیماری‌های خاص.

۱۷. سازمان دهیاری.

۱۸. هیئت امنای صرفه جویی ارزی در معالجه بیماران.

۱۹. بنیاد فرهنگی ورزشی رودکی.

۲۰. سازمان دانش آموزی.

۲۱. صندوق بیمه روستاییان و عشایر.

۲۲. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی.

۲۳. اتکا / سازمان تعاونی، کادر نیروهای مسلح (در سال ۹۵ اتکا به لیست موسسات عمومی غیردولتی اضافه شده است. سوال کارشناسی ارشد)

۲۴. صندوق توسعه نوآوری و شکوفایی (در سال ۹۶ به لیست موسسات عمومی غیردولتی اضافه شده است.)

۲۵. صندوق کار آفرینی امید (در سال ۹۶ به لیست موسسات عمومی غیردولتی اضافه شده است.)

سوال مهم: آیا شعب دیوان عدالت اداری صالح به رسیدگی به شکایت از موسسات عمومی غیر دولتی است؟

مواد ۱۰ و ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری راجع به صلاحیت دیوان است. ماده ۱۰ که ناظر بر صلاحیت شعب است، مبین این امر است که دیوان عدالت اداری صرفاً نسبت به «واحدهای دولتی» صلاحیت رسیدگی دارد. در خصوص مؤسسات عمومی غیردولتی بدون اینکه ذکری از مؤسسات عمومی غیردولتی کند، صرفاً از شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی نام میبرد. البته به موجب یک قانون خاص دیگری (ماده ۲۶ قانون اساسنامه هلال احمر جمهوری اسلامی ایران) رسیدگی به شکایات از تصمیمات هلال احمر هم در صلاحیت دیوان قرار گرفته است. در این مورد، یک قانون خاص وجود دارد. در ماده ۱۰ قانون دیوان هم دو مورد را بیان می‌کند: شهرداری و سازمان تأمین اجتماعی. در واقع، صلاحیت موردی شعب دیوان در خصوص رسیدگی به شکایات از مؤسسات عمومی غیردولتی، منحصر به همین سه سازمان شده است: **هلال احمر، تأمین اجتماعی و شهرداری^۱ و مؤسسات وابسته به آنها.** البته مؤسسه با شرکت متفاوت است. اگر شرکتهای وابسته به این سازمانها طرف دعوا قرار گیرند، قطعاً دیوان به این موضوع رسیدگی نمی‌کند؛ چون صلاحیت رسیدگی ندارد. قانون‌گذار در قانون مدیریت خدمات کشوری بین تعریف شرکت و مؤسسه، تفاوت قائل شده است. بنابراین **شعب دیوان** (دقت کنید که هیات عمومی صلاحیت رسیدگی به تصمیمات عام الشمول همه مؤسسات عمومی غیردولتی را دارا است و فقط صلاحیت شعب در مورد ۳ مورد ذکر شده است.) صلاحیت رسیدگی به شکایات مطرح شده نسبت به تصمیمات سازمان تأمین اجتماعی، هلال احمر و شهرداری و مؤسسات وابسته به این نهادها را خواهد داشت. به غیر از این موارد، موردی وجود ندارد که در صلاحیت شعب دیوان قرار گیرد. خیلی‌ها با استناد به ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری می‌گویند رسیدگی به شکایت از تمام مؤسسات عمومی غیردولتی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. اما باید تفکیک قائل است:

۱. از تصمیمات موسساتی که در لیست فوق که در قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی آمده است؛ می‌توان در قانون دیوان عدالت اداری شکایت کرد. مثلاً شکایت از شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی به عنوان دو مصداق از مؤسسات عمومی غیر دولتی در شایستگی شعب دیوان عدالت اداری پیش بینی شده است.
۲. از تصمیمات موسساتی که در لیست قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ نیامده‌اند در دیوان عدالت اداری نمی‌توان شکایت کرد. به طور نمونه در این خصوص رأیی از هیات عمومی دیوان عدالت اداری داریم که مقرر کرده، سازمان بورس و اوراق بهادار هر چند مطابق ماده ۵ قانون بورس و اوراق بهادار مؤسسه عمومی غیردولتی شناخته می‌شود؛^۲ اما به

۱ - **آیا شوراهای اسلامی شهر هم جزو مؤسسات و نهادهای وابسته به شهرداری تلقی می‌شود؟** آیا می‌توان شورای اسلامی شهر را به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی تعریف کرد و در قالب ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری قرار داد؟ اطلاق عنوان «شهرداری» شامل شورای اسلامی نمی‌شود و بر این اساس، شکایت علیه شورای اسلامی را نمی‌توان در دیوان پذیرفت. این مورد هم اکنون محل بحث جدی در دیوان عدالت اداری است. شورای اسلامی و شهرداری یک مؤسسه واحد تحت عنوان «شهرداری» تلقی نمی‌شوند؛ یعنی نمی‌توان عنوان شهرداری را به شورای اسلامی اطلاق کرد و بر آن بود که چون قانون‌گذار شهرداری را بیان کرده و یا چون گفته مؤسسات وابسته به شهرداری و شوراهای اسلامی هم یک مؤسسه وابسته تلقی می‌شود، در نتیجه دیوان صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه شوراهای اسلامی را دارد. عملاً نیز شعب دیوان عدالت اداری به شکایات موردی علیه شوراهای اسلامی رسیدگی نمی‌کنند (دقت شود مصوبات عام الشمول شوراها قابل ابطال در دیوان عدالت اداری است).

۲ - **ماده ۵ قانون سازمان بورس و اوراق بهادار - سازمان، مؤسسه عمومی غیر دولتی است که دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل بوده و از محل کارمزدهای دریافتی و سهمی از حق پذیرش شرکتها در بورس‌ها و سایر درآمدها اداره خواهد شد.** منابع لازم برای آغاز فعالیت و راه‌اندازی سازمان یاد شده از محل وجوه امانی شورای بورس نزد سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران تأمین می‌شود.

دلیل اینکه در لیست ۲۵ موسسه عمومی غیردولتی مقرر در قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی با الحاقات بعدی قرار ندارد از این رو رسیدگی به شکایات علیه سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان موسسه عمومی غیر دولتی در صلاحیت و شایستگی شعب دیوان عدالت اداری قرار ندارد. «**رای هیات عمومی در سال ۹۵**» با توجه به اینکه مطابق ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱/۹/۱۳۸۴، سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان موسسه عمومی غیر دولتی شناسایی شده است و مطابق جزء الف بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات و تظلمات از موسسات عمومی غیر دولتی در شایستگی دیوان عدالت اداری لحاظ نشده است و فقط رسیدگی به شکایات، تظلمات از شهرداریها و سازمان تامین اجتماعی به عنوان دو مصداق از موسسات عمومی غیر دولتی در شایستگی شعب دیوان عدالت اداری پیش بینی شده است، بنابراین رسیدگی به شکایات علیه سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان موسسه عمومی غیر دولتی در صلاحیت و شایستگی شعب دیوان عدالت اداری قرار ندارد. با توجه به مراتب رأی شعبه ۱۴ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۵۰۱۴۰۱۴۰۹۹۷۰۹۱۰۹۹۷۰۹۱۳۹۱/۳۱/۵ و رأی شماره ۱۳۹۳-۱۳۹۳-۴۵۸-۰۴۵۶۰۰۹۹۷۰۹۱۰۹۹۷۰۹۱۳۹۲/۲۱/۴ شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۲۶/۴/۱۳۹۲-۹۲۰۹۹۷۰۹۱۰۰۰۹۳۸-۱۳۹۳-۱۴/۴/۱۳۹۰ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری و رأی شماره ۲۶/۴/۱۳۹۲-۹۲۰۹۹۷۰۹۱۰۰۰۹۳۸-۱۳۹۳-۱۴/۴/۱۳۹۰ شعبه دیوان عدالت اداری را در رسیدگی به شکایت علیه سازمان بورس و اوراق بهادار واجد شایستگی و صلاحیت تشخیص نداده اند صحیح و مطابق مقررات تشخیص می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است. »

بنابراین این نکته را یاد می‌گیریم که دو نوع موسسه عمومی غیردولتی در کشور داریم:

موسسات عمومی غیردولتی که در قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارند. (۲۵ آیتم ذکر شده)

موسسات عمومی غیردولتی که در قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارند. (مانند سازمان بورس)

البته یک نوع نهاد جالب دیگر نیز داریم؛ مثل دانشگاه آزاد اسلامی که ابتدا در ماده ۵ اساسنامه آن آمده بود؛ دانشگاه آزاد اسلامی موسسه عمومی غیردولتی است اما در اصلاحیه‌اش آمده است که موسسه غیرخصوصی غیردولتی است. که در حقیقت اگر زمانی مجلس تصویب کند که دانشگاه آزاد اسلامی یک موسسه عمومی غیردولتی است به ۲۵ آیتم ذکر شده (جزو فهرست مصوب قانونگذار) اضافه خواهد شد. دلیل اصلی اینکه در عمومی غیردولتی بودن دانشگاه آزاد اسلامی ابهام وجود دارد؛ ۲ موضوع است:

اولاً باید مجلس آن را به فهرست موسسات عمومی غیردولتی اضافه کند.

ثانیاً به تبع مورد اول، برخی قواعد ماهوی دانشگاه آزاد از قوانین بخش خصوصی تبعیت می‌کند؛ و این قوانین نیز باید اصلاح شود.

حال اگر موضوع برایتان جالب است برای مطالعه بیشتر می‌توانید به مقاله زیر مراجعه نمایید:

مقاله دانشگاه آزاد اسلامی: مؤسسه عمومی یا خصوصی؟ از محمدرضا ویژه و فاطمه افشاری، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۸۳ الی ۲۱۵

ادامه قانون مدیریت:

ماده ۴- **شرکت دولتی:** بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ابلانگی از سوی مقام معظم رهبری جزء وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.

تبصره ۱- تشکیل شرکتهای دولتی تحت هر یک از عناوین فوق‌الذکر صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است، همچنین تبدیلی شرکتهایی که سهام شرکتهای دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است با افزایش سرمایه به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- شرکتهایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح، ملی و یا مصادره شده و شرکت دولتی شناخته شده یا می‌شوند، شرکت دولتی تلقی می‌گردند.

تبصره ۳- احکام «شرکتهای دولتی» که در این قانون ذکر شده بر کلیه شرکتهایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است نیز اعمال خواهد شد.

{نکته آزمونی: بر بانک‌های دولتی قانون شرکتهای دولتی حاکم است.

ماده ۵- **دستگاه اجرائی:** کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکتهای دولتی و کلیه دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانکها و بیمه‌های دولتی^۱ دستگاه اجرائی نامیده می‌شوند.

ماده ۶- پست سازمانی: عبارت است از جایگاهی که در ساختار سازمانی دستگاههای اجرائی برای انجام وظایف و مسؤولیتهای مشخص (ثابت و موقت) پیش‌بینی و برای تصدی یک کارمند در نظر گرفته می‌شود. پستهای ثابت صرفاً برای مشاغل حاکمیتی که جنبه استمرار دارد ایجاد خواهد شد.^۲

تبصره - اساسنامه و تشکیلات سازمان حد اکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

^۱ - این سازمان‌ها از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری استثناء شده اند. (دقت نمایید که در اینجا فقط تعریف شده‌اند؛ از این رو خلط مبحث نشود).

^۲ - مهم‌ترین واژه‌ای که موجب ابهام در گستره شمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی شده واژه «شغل» است که از لحاظ لغوی آن را معادل پیشه و کار تلقی کرده‌اند. ماده ۷ قانون استخدام کشوری (۱۳۴۵) شغل را چنین تعریف می‌کند: «شغل عبارت از مجموع وظایف و مسؤولیتهای مرتبط، مستمر و مشخص است که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌عنوان واحد شناخته می‌شود». همچنین طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (۱۳۷۳) «منظور از شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست ثابت سازمانی یا شغل و یا پستی که به‌طور تمام وقت انجام می‌شود». از لحاظ مقررات اداری شغل با اختصاص پست سازمانی شناسایی می‌شود که ماده ۸ قانون استخدام کشوری در تعریف آن می‌گوید: «پست ثابت سازمانی محلی است که در سازمان‌ها،

ماده ۷- کارمند دستگاه اجرایی: فردی است که براساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیتدار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود.

ماده ۸- امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.

از قبیل: ^۱ {جدیداً از موارد ذیل خیلی سوال طرح می‌کنند؟ چرا؟ به دلیل اینکه داوطلب فکر می‌کند مهم نیست و از مطالعه آن منصرف می‌شود!}

الف- سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

ب- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد. {جهت آزمون: از این رو دولت فعلی دولت توزیعی یا دولت خدمت عمومی نیز گفته می‌شود و قانون مدیریت نیز با مبنا قرار دادن دکتری خدمت عمومی لئون دوگی طرح و تصویب شده است. ویژگی اساسی دولت رفاه، مداخله‌گری آن است، بدین معنا که این دولت در موقعیت‌های حقوق خصوصی دخالت می‌کند این مداخله‌ها منجر به ایجاد دولت توزیعی^۲ می‌شود. دولت توزیعی به تنظیم موقعیت‌های نابرابر شهروندان و خلق نقش‌های حمایتی جدید می‌پردازد. دولتی که برای تأمین رفاه شهروندان، مرزهای عرصه‌های مختلف اجتماعی را در می‌نوردد و به نام ضرورت واسطه‌گری دولت در برآوردن نیازها، خود را صاحب حق مداخله می‌بیند. (سؤال دکتری بوده)}

ج- ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تزییع حقوق مردم.

د- فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.

ه- قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضائی.

و- حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.

ز- ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.

ح- اداره امور داخلی، مالیه عمومی^۳ تنظیم روابط کار و روابط خارجی.

ط- حفظ محیط زیست^۴ و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

ی- تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.^۵

ک- ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماریها و آفتهای واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای عمومی.

ل- بخشی از امور مندرج در مواد (۹)، (۱۰) و (۱۱) این قانون نظیر موارد مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی که انجام آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی با تأیید هیأت وزیران امکان پذیر نمی‌باشد. {دقت کنید برای آزمون طراح دقت می‌کند به مطالبی که چالش برانگیز است. در اینجا می‌خواهد بگوید امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی، زیربنایی، اقتصادی که توسط بخش خصوصی و تعاونی و عمومی غیردولتی با تأیید هیأت وزیران امکانش نیست؛ عمل حاکمیتی محسوب می‌شود. بنابراین تشخیص حاکمیتی بودن یک عملی در حقیقت در دست هیأت وزیران است}

م- سایر مواردی که با رعایت سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی در قوانین عادی جزء این امور قرار می‌گیرد. {نکته آزمونی: پس مواردی که در قالب سیاست کلی توسط مقام رهبری ابلاغ می‌شود نیز جزء امور حاکمیتی محسوب می‌شود.}

وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به طور مستمر برای یک شغل و ارجاع آن به یک مستخدم در نظر گرفته شده اعم از اینکه دارای متصدی یا بدون متصدی باشد.

آخرین قانونی که در این مورد باید به آن اشاره کنیم قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) است. ماده ۶ این قانون به جای شغل به تعریف پست سازمانی پرداخته است که طبق آن: «پست سازمانی عبارت است از جایگاهی که در ساختار سازمانی دستگاه‌های اجرایی برای انجام وظایف و مسئولیت‌های مشخص (ثابت و موقت) پیش‌بینی شده و برای تصدی یک کارمند در نظر گرفته می‌شود. پست‌های ثابت صرفاً برای مشاغل حاکمیتی، که جنبه استمرار دارد، ایجاد خواهد شد». هم از این ماده و هم از ماده ۹۴ قانون مذکور که اعلام می‌دارد: «تصدی بیش از یک پست سازمانی برای کلیه کارمندان دولت ممنوع می‌باشد...» و هم از قانون استخدام کشوری استنباط می‌شود که در حقوق اداری و قوانین و مقررات استخدامی، شغل و پست سازمانی معنای کاملاً مرتبط به هم دارند، به گونه‌ای که برای هر شغل یک پست سازمانی در نظر گرفته می‌شود.

(از نظر دکتر سید محمد هاشمی) از تبصره ۲ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، سه ویژگی استمرار، اختصاص پست سازمانی و تمام وقت بودن برای تعریف شغل به دست می‌آید. اما قانون مدیریت خدمات کشوری با تقسیم پست سازمانی به ثابت و موقت، پست‌های ثابت سازمانی را فقط برای امور حاکمیتی، که جنبه استمرار دارند، قابل ایجاد می‌داند و پست‌های موقت که از جنبه استمرار برخوردار نیستند، به امور غیر حاکمیتی (امور اجتماعی و فرهنگی و خدماتی، امور زیربنایی و امور اقتصادی) اختصاص پیدا می‌کنند. بنابراین از قانون مدیریت خدمات کشوری استنباط می‌شود که نه استمرار از ویژگی‌های شغل است و نه تمام وقت بودن، بلکه شغل با داشتن پست ثابت یا موقت سازمانی در ساختار یک دستگاه اجرایی برای انجام وظایف و مسئولیت‌های مشخص تعریف می‌شود. بدین ترتیب درمی‌یابیم که قانون مدیریت خدمات کشوری در مقایسه با قوانین گذشته، تعریفی گسترده‌تر از شغل ارائه کرده است.

۱- نمونه مواردی که در این ماده آمده به صورت تمثیلی است. همین موضوع سوال کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد در سال ۹۰ بوده است. ضمناً برای آزمون در خاطرتان باشد که اعمال حاکمیتی با تصویب هیأت وزیران و سیاست‌های ابلاغی نیز ممکن است بعداً ایجاد شود.

^۲- Adistributive state

^۳ - سابقه طرح سوال دارد: آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۰

^۴ - سابقه طرح سوال دارد: آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۵

^۵ - سابقه طرح سوال دارد: آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۱

^۶ - سابقه طرح سوال دارد: آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۴

بخش چهارم: اسناد بین المللی

کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)

کشورهای طرف عهدنامه حاضر، با توجه به نقش اساسی معاهدات در تاریخ روابط بین المللی با تشخیص اهمیت روز افزون معاهدات به عنوان یکی از منابع حقوق بین الملل و به عنوان وسیله ای برای توسعه همکاری مسالمت آمیز بین ملتها و قطع نظر از نظام اجتماعی و سیستم حکومتی آنها، با درک اینکه اصل رضایت آزادانه و اصل حسن نیت و قاعده الزام آور بودن تعهدات بصورت جهانی مورد قبول قرار گرفته است، با تأیید اینکه اختلافات مربوط به معاهدات، مانند دیگر اختلافات بین المللی، باید به طریق مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل و فصل شود، با بخاطر آوردن تصمیم ملتهای عضو سازمان ملل برای ایجاد شرایطی که تحت آن بتوان عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات را حفظ کرد، با در نظر داشتن اصول حقوق بین الملل منعکس در منشور ملل متحد، مانند اصل تساوی حقوق ملتها و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت کشورها و استقلال آنها، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اصل ممنوعیت تهدید به اعمال زور یا اعمال زور، و اصل احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی همه افراد، با اعتقاد به اینکه تدوین و توسعه مترقیانه حقوق معاهدات که در این عهدنامه تحقق پذیرفته است، در نیل به مقاصد سازمان ملل به نحوی که در منشور ملل متحد بیان شده یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی، توسعه روابط دوستانه و دست یابی به همکاری بین ملتها، کمک خواهد کرد، و با تأیید این نکته که قواعد حقوق بین الملل عرفی در مورد مسائلی که مشمول مفاد این عهدنامه نمیشود، همچنان جاری خواهد بود، به شرح زیر توافق کرده اند:

بخش اول

مقدمه

ماده ۱: قلمرو عهدنامه حاضر

عهدنامه حاضر ناظر بر معاهدات منعقد شده بین کشورهاست.

ماده ۲: کاربرد اصطلاحات

۱- از نظر عهدنامه حاضر:

الف. «معاهده» عبارت است از یک توافق بین المللی که بین کشورها بصورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد؛
 ب. «تنفیذ»، «قبول»، «تصویب» و «الحاق» به معنای آن اقدام بین المللی است که به حسب موارد، واجد یکی از عناوین مزبور بوده و به وسیله آن، کشوری در عرصه بین المللی رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده ابراز می کند؛
 ج. «اختیارات تام» به معنای سندی است که بوسیله مرجع صالح یک کشور صادر می شود و طبق آن شخص یا اشخاصی برای نمایندگی آن کشور جهت مذاکره، قبول، یا تأیید اعتبار متن یک معاهده، یا جهت اعلام رضایت آن دولت به التزام در قبال یک معاهده و یا جهت انجام هر اقدام دیگری در مورد یک معاهده تعیین می گردد؛
 د. «حق شرط» عبارت است از **بیانیه یک جانبه ای** که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضاء، تنفیذ، قبول، تصویب یا الحاق به یک معاهده صادر می کند و به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهدات نسبت به خود بیان می دارد؛
 هـ. «کشور مذاکره کننده» عبارت است از کشوری که در تنظیم و پذیرفته شدن متن معاهده شرکت نموده باشد؛

و. «کشور متعاقد» عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده اعلام نموده باشد، اعم از اینکه معاهده لازم الاجرا شده باشد یا خیر؛

ز. «طرف» معاهده عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده اعلام نموده و معاهده در ارتباط با او لازم الاجرا باشد؛

ح. «کشور ثالث» عبارت است از کشوری که طرف معاهده نباشد؛

ط. «سازمان بین المللی» عبارت است از یک سازمان بین دول؛

۲. مفاد بند ۱ راجع به کاربرد اصطلاحات در این عهدنامه، تأثیری در استفاده از آن اصطلاحات، یا در معانی آنها در حقوق داخلی هر کشور ندارد.

ماده ۳: توافق بین المللی ای که داخل در قلمرو عهدنامه حاضر نیستند.

این واقعیت که عهدنامه حاضر ناظر بر توافقی بین المللی منعقد شده بین کشورها و سایر اشخاص موضوع حقوق بین الملل، یا توافقی فیما بین همان سایر اشخاص موضوع حقوق بین الملل و یا توافقی بین المللی غیر کتبی نیست، تأثیری در موارد ذیل نخواهد داشت:

الف. ارزش حقوقی توافقیهای مذکور؛

ب. شمول هر یک از قواعد منعکس در عهدنامه حاضر بر توافقیهای مذکور، در مواردی که توافقیهای مورد بحث به موجب حقوق بین الملل و فارغ از این عهدنامه مشمول آن قواعد باشند؛

ج. شمول این عهدنامه بر آن دسته از روابط کشورها که به موجب توافقیهای بین المللی بین آنها ایجاد شده و سایر اشخاص موضوع حقوق بین الملل نیز طرف آن توافق ها هستند.

ماده ۴: عطف به ماسبق شدن عهدنامه حاضر

بدون تأثیر بر آن دسته از قواعد مندرج در عهدنامه حاضر که معاهدات موجود، به موجب حقوق بین الملل و مستقل از این عهدنامه مشمول آنها خواهند بود، عهدنامه حاضر

فقط شامل معاهداتی می شود که به وسیله کشورها پس از لازم الاجرا شدن این عهدنامه نسبت به آنها منعقد شده باشد.

(* نکته: کنوانسیون معاهدات مشمول و پیرو قواعد حقوق بین الملل خواهد بود.)

سوال تالیفی: مطابق متن کنوانسیون حقوق معاهدات، کدام یک از گزینه های ذیل در مورد گستره عهدنامه صحیح نمی باشد؟

الف- عهدنامه حاضر فقط شامل معاهداتی می شود که به وسیله کشورها پس از لازم الاجرا شدن این عهدنامه نسبت به آنها منعقد شده باشد.

ب- کنوانسیون معاهدات مشمول و پیرو قواعد حقوق بین الملل خواهد بود.

ج- «طرف» معاهده عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده اعلام نموده اما معاهده در ارتباط با او لازم الاجرا نشده باشد.

د- عهدنامه حاضر ناظر بر توافقیهای بین المللی غیر کتبی نیست.

گزینه ج صحیح است.

ماده ۵: معاهدات تشکیل دهنده سازمانهای بین المللی و معاهدات پذیرفته شده در چهارچوب یک سازمان بین المللی

این عهدنامه بر هر معاهده ای که سند تأسیسی یک سازمان بین المللی باشد و هر معاهده ای که در چارچوب یک سازمان بین المللی پذیرفته

شود، اعمال خواهد شد؛ بدون آنکه به هیچ کدام از مقررات مربوط به آن سازمان لطمه‌ای وارد کند.

بخش دوم: انعقاد معاهدات و لازم‌الاجرا شدن آنها

فصل اول: انعقاد معاهدات

ماده ۶: اهلیت کشورها برای انعقاد معاهدات

هر کشوری اهلیت انعقاد معاهدات را دارد.

ماده ۷: اختیارات تام

۱. یک شخص در صورتی **نماینده** یک کشور به منظور پذیرفتن یا اعتبار بخشیدن به متن یک معاهده یا به منظور اعلام رضایت آن کشور به التزام در قبال یک معاهده شمرده می‌شود که:

الف. مدارک مناسب و مقتضی در مورد تام الاختیار بودن خود ارائه کند؛ و یا

ب. از نحوه عمل کشورهای ذینفع یا احوال دیگر معلوم شود که **قصد آنها این بوده است تا آن شخص را برای مقاصد مذکور نماینده آن کشور تلقی نموده** و از (لزوم ارائه مدارک) اختیارات تام صرف نظر نمایند.

۲. اشخاص مذکور در ذیل بر حسب سمت‌هایی که دارند و بی آنکه لازم باشد مدارکی دال بر تام الاختیار بودن ارائه دهند، نماینده کشور خویش محسوب می‌شوند:

الف. رؤسای کشورها، رؤسای دولت‌ها و وزرای امور خارجه، به منظور انجام تمام اعمال مربوط به انعقاد یک معاهده؛

ب. رؤسای هیأت‌های سیاسی {دیپلماتیک} به منظور پذیرفتن متن یک معاهده بین کشوری که به آنها استوارنامه داده و کشوری که استوارنامه آنها را پذیرفته است؛

ج. نمایندگان که کشورهای به یک کنفرانس بین‌المللی، یا یک سازمان بین‌المللی، یا یکی از ارگانهای آنها به منظور پذیرفتن متن یک معاهده در آن کنفرانس یا سازمان یا ارگان معرفی کرده باشند.

ماده ۸: تأیید بعدی اقداماتی که بدون مجوز صورت گرفته باشد.

اقدام مربوط به انعقاد یک معاهده بوسیله شخصی که بموجب ماده ۷، نماینده کشور مربوطه برای این منظور محسوب نمی‌شود، **اثر حقوقی نخواهد داشت مگر آنکه متعاقباً بوسیله آن کشور مورد تأیید قرار گیرد.**

ماده ۹: پذیرش متن

۱. به استثنای آنچه که در بند ۲ مقرر شده است، پذیرش متن یک معاهده **با رضایت همه دولت‌هایی که در تنظیم آن شرکت کرده‌اند** تحقق می‌یابد. (به این مقرر کنسائوس نیز گفته می‌شود).^۱

۲. پذیرش متن یک معاهده در یک کنفرانس بین‌المللی با **رأی دو سوم کشورهای حاضر و رأی دهنده** صورت می‌گیرد مگر آنکه آنها با همین اکثریت برای اعمال قاعده دیگری اتخاذ تصمیم نمایند.

ماده ۱۰: اعتبار بخشیدن به متن

متن یک معاهده به طرق ذیل قانوناً معتبر و قطعی شمرده می‌شود:

الف. **به شیوه‌ای که در متن معاهده مقرر شده** و یا مورد موافقت کشورهای است که در تنظیم آن شرکت کرده اند، یا

ب. در غیاب چنین شیوه‌ای، از طریق امضای همزمان با کسب **تکلیف، یا پاراف متن معاهده، یا قطعنامه نهائی** کنفرانسی که دربر گیرنده متن معاهده باشد توسط نمایندگان آن کشورها.

ماده ۱۱: روشهای اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده

رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده، **از طریق امضاء، مبادله اسناد تشکیل‌دهنده یک معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق، یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می‌شود.**

ماده ۱۲: اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق امضاء

۱. رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده **از طریق امضای نماینده آن کشور**، در صورتی ابراز می‌شود که:

الف. **معاهده مقرر کرده باشد** که امضاء واجد چنین اثری خواهد بود؛

ب. به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره کننده در خصوص اینکه امضاء می‌بایست چنین اثری داشته باشد، توافق کرده اند؛ یا

ج. قصد کشور برای اعطای این اثر به امضاء از اختیارات تام نماینده آن معلوم شود، یا در حین مذاکرات بیان شده باشد.

۲. بمنظور اجرای مفاد بند ۱:

الف. **در صورت ثبوت و توافق کشورهای مذاکره کننده در این خصوص، پاراف متن به منزله امضای معاهده محسوب می‌شود؛**

ب. امضای همزمان با کسب تکلیف بوسیله یک نماینده در صورتیکه بوسیله کشور مربوطه تأیید شود، **امضای قطعی معاهده محسوب خواهد شد.**

ماده ۱۳: اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق مبادله اسناد تشکیل‌دهنده آن

رضایت کشورها به التزام در قبال معاهده‌ای که بوسیله مبادله اسناد بوجود می‌آید، از طریق همان مبادله بصورت زیر اعلام می‌گردد:

الف. **اسناد معاهده مقرر کرده باشد** که مبادله آنها چنین اثری خواهد داشت؛ یا

ب. به نحو دیگر ثابت شود که آن کشورها در آن خصوص که مبادله اسناد معاهده می‌بایست چنین اثری داشته باشد، توافق کرده باشند؛

ماده ۱۴: رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق تنفیذ، قبولی یا تصویب

۱. رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق تنفیذ، بصورت زیر اعلام می‌گردد:

الف. معاهده اعلام چنین رضایتی را از طریق تنفیذ **پیش‌بینی نموده باشد؛**

ب. **به نحو دیگری ثابت شود** که کشورهای مذاکره کننده در خصوص لزوم تنفیذ توافق کرده‌اند؛

ج. نماینده کشور مربوطه معاهده را بشرط تنفیذ امضاء کرده باشد، یا

۱ - سوال کارشناسی ارشد سال ۹۸ - براساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، کدام مورد از طرق پذیرش متن معاهده است؟

۱) کنسائوس

۲) تصویب

۳) امضای به شرط تصویب

۴) امضای اکثریت دوسوم

گزینه ۱ صحیح است.

د. قصد کشور مربوطه دایر بر امضای معاهده به شرط تنفیذ از اختیارات تام نماینده آن کشور معلوم شود یا در حین مذاکره بیان شده باشد.
۲. اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق قبولی یا تصویب تحت همان شرایط ناظر بر مورد تنفیذ، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۵: رضایت به التزام در قبال یک معاهده از طریق الحاق

رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده از طریق الحاق بصورت زیر اعلام می‌گردد:

الف. **معاهده** اعلام رضایت آن کشور بوسیله الحاق به معاهده را **پیش‌بینی نموده باشد**؛

ب. **به نحو دیگری ثابت شود** که کشورهای مذاکره کننده در خصوص اعلام رضایت آن کشور از طریق الحاق به معاهده توافق کرده‌اند؛ یا

ج. همه طرفهای معاهده **بعدهاً توافق کرده باشند** که رضایت آن کشور ممکن است با الحاق به معاهده اعلام گردد.

ماده ۱۶: مبادله یا تودیع اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق

بجز در مواردی که معاهده روش دیگری را مقرر کرده باشد، اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق در صورتی به منزله اعلام رضایت کشور به التزام در قبال یک معاهده محسوب می‌شود که:

الف. اسناد میان کشورهای متعاقد مبادله شود؛

ب. اسناد نزد امین تودیع گردد؛ یا

ج. در صورتیکه در این موارد توافق شده باشد، اسناد به کشورهای متعاقد یا امین ابلاغ گردد.

ماده ۱۷: رضایت به التزام در قبال قسمتی از معاهده یا انتخاب مقررات مختلف آن

۱. با حفظ مفاد ماده های ۱۹ تا ۲۳، رضایت یک کشور به التزام در قبال قسمتی از یک معاهده فقط در صورتی مؤثر است که معاهده چنین اجازه‌ای را بدهد، یا سایر کشورهای متعاقد در این مورد موافقت نمایند.

۲. رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده‌ای که حق انتخاب بین مقررات مختلف آن را مجاز می‌داند **فقط در صورتی مؤثر است که تصریح شود رضایت مزبور در خصوص کدام یک از مقررات معاهده ابراز شده است.**

ماده ۱۸: الزام به خودداری از لطمه زدن به هدف و منظور یک معاهده قبل از لازم الاجرا شدن آن

یک کشور ملزم است **از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می‌کند خودداری ورزد**؛

هرگاه: الف. معاهده را به شرط تنفیذ، قبولی، یا تصویب امضاء نموده و یا اسناد تشکیل‌دهنده معاهده را مبادله کرده باشد؛ **تا زمانی که قصدش را دایر بر عدم الحاق به معاهده تصریح نماید؛ یا**

ب. رضایت خود را به التزام در قبال معاهده را **صراحتاً موقوف به لازم‌الاجرا شدن معاهده کرده باشد**، مشروط بر اینکه لازم‌الاجرا شدن آن به طور نامعقول به تأخیر نیفتد.^۱

فصل دوم: حق شرط

ماده ۱۹: تنظیم حق شرط

۱- یک کشور هنگام امضاء، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده **می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را مشروط کند** مگر در صورتی که:

الف. **معاهده حق شرط را ممنوع کرده باشد**؛

ب. معاهده مقرر کرده باشد که حق شرط فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست، مجاز است؛ یا

ج. در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی که **حق شرط با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد**.^۲

ماده ۲۰: قبول یا مخالفت با تحدید تعهد

۱. حق شرط که صریحاً در یک معاهده مجاز شمرده شده باشد، **موافقت بعدی سایر کشورهای متعاقد را لازم ندارد مگر آنکه** لزوم آن در معاهده قید شده باشد.

۲. در موردی که از تعداد محدود کشورهای مذاکره کننده و نیز از هدف و منظور معاهده معلوم شود که جاری بودن معاهده در کلیت آن نسبت به تمام کشورهای طرف معاهده شرط ضروری رضایت هریک از آنها به التزام در قبال معاهده است، **حق شرط باید مورد قبول همه طرفهای معاهده قرار گیرد.**

۳. در موردی که معاهده سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی باشد، **حق شرط منوط به قبول ارگان ذیصلاح آن سازمان (اعضا) است**، مگر اینکه معاهده ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد.

۴. در مواردی که مشمول بندهای مذکور در فوق نبوده و در معاهده به نحو دیگری مقرر نشده باشد:

الف. قبول حق شرط یک کشور بوسیله یک کشور دیگر متعاقد موجب می‌گردد آن دو کشور در صورت یا از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده نسبت به آنها، در مقابل یکدیگر طرف معاهده محسوب شوند؛

ب. مخالفت یک کشور متعاقد با حق شرط یک کشور **مانع از لازم‌الاجرا شدن معاهده بین کشور مخالفت‌کننده و کشوری که حق شرط ارائه نموده است**، نمی‌شود مگر

۱- سوال کارشناسی ارشد سال ۹۳- امضای به شرط تصویب (Ad refrendum) معاهده دارای چه اثر حقوقی است؟

(۱) تا زمان تصویب، معاهده فاقد هر گونه اثر حقوقی است.

(۲) تا زمان اعلام عدم تصویب، معاهده دارای اعتبار و اثر حقوقی است.

(۳) تا زمان تصویب یا اعلام تصویب باید طبق اهداف و موضوع معاهده عمل شود.

(۴) تا زمان تصویب یا اعلام عدم تصویب نباید اعمال خلاف اهداف و موضوع معاهده صورت گیرد.

گزینه ۴ صحیح است.

۲- سوال کارشناسی ارشد سال ۹۵- در معاهده چند جنبه ای که نسبت به حق شرط ساکت است، اصل بر کدام مورد است؟

(۱) برای تعیین امکان یا عدم امکان ورود حق شرط، باید از طریق مرجع حل اختلاف اقدام کرد.

(۲) می‌توان به آن حق شرط وارد کرد، مگر آنکه با موضوع و هدف معاهده در تعارض باشد.

(۳) ورود حق شرط، منوط به موافقت همه دولت‌های عضو معاهده است.

(۴) تحت هیچ شرایطی نمی‌توان به آن حق شرط وارد کرد.

می‌توان به آن حق شرط وارد کرد، مگر آنکه با موضوع و هدف معاهده در تعارض باشد.

گزینه ۲ صحیح است.

آنکه کشور مخالفت کننده قطعاً منظور مخالف آن را ابراز نموده باشد؛

ج. اقدامی که رضایت یک دولت را دایر بر التزام در قبال یک معاهده منعکس نموده و مضافاً متضمن حق شرط باشد، به محض آنکه حداقل یک کشور دیگر متعهد **حق شرط را بپذیرد**، اثر قانونی خواهد داشت.

۵. به منظور اجرای بندهای ۲ و ۴ چنانچه معاهده به نحو دیگری مقرر نکرده باشد، **حق شرط یک کشور وقتی از جانب کشور دیگر قبول شده تلقی می‌شود که** کشور اخیر تا پایان دوره دوازده ماه پس از تاریخ آگاهی از ارائه حق شرط یا تا زمان اعلام رضایت خود به التزام در قبال معاهده، هر کدام که مؤخر باشد، مخالفتی نسبت به حق شرط ابراز نکرده باشد.

سوال تالیفی: مخالفت یک کشور متعهد با حق شرط یک کشور مانع از لازم الاجرا شدن معاهده بین کشور مخالفت کننده و کشوری که حق شرط ارائه نموده است...

الف- نمی‌شود مگر آنکه کشور مخالفت کننده قطعاً منظور از مخالفت با آن را ابراز نموده باشد.

ب- نمی‌شود مگر آنکه کشور مخالف، دلیل مخالفت خود را ضمنی نیز ابراز نموده باشد.

ج- می‌شود مگر آنکه کشور مخالفت کننده ضمناً هم مخالفت خود را ابراز نموده باشد.

د- می‌شود مگر آنکه کشور مخالفت کننده منظور از مخالفت آن را ابراز نموده باشد.

بر اساس بخش ب از بند ۴ ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق معاهدات: مخالفت یک کشور متعهد با حق شرط یک کشور **مانع از لازم الاجرا شدن** معاهده بین کشور مخالفت کننده و کشوری که حق شرط ارائه نموده است، نمی‌شود مگر آنکه کشور مخالفت کننده قطعاً منظور مخالف آن را ابراز نموده باشد؛
گزینه الف صحیح است.

ماده ۲۱: آثار حقوق حق شرط و مخالفت با آن

۱. حق شرطی که نسبت به طرف دیگر معاهده طبق مواد ۱۹، ۲۰ و ۲۳ صورت گرفته باشد:

الف. **برای کشوری که به حق شرط اقدام نموده** آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده را که موضوع حق شرط قرار گرفته است در رابطه وی با طرف دیگر، تعدیل مینماید؛ و

ب. برای طرف دیگر معاهده، همان قسمت از مقررات معاهده را تا همان میزان در قبال کشوری که از حق شرط استفاده می‌کند، تعدیل می‌نماید.

۲. حق شرط به خودی خود **مقررات معاهده را برای سایر طرفهای معاهده تعدیل می‌نماید.**

۳. اگر کشوری که با حق شرط مخالفت کرده، **با لازم الاجرا شدن معاهده** بین خود و کشوری که به حق شرط اقدام نموده مخالفت نکند، آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده که موضوع حق شرط واقع شده است، **بین آنها اعمال نخواهد شد.**^۱

ماده ۲۲: انصراف از حق شرط و مخالفت با آن

۱. **بجز** در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید، **حق شرط را می‌توان در هر زمان مسترد داشت** و رضایت کشوری که حق شرط را پذیرفته است برای آن انصراف ضرورت ندارد.

۲. **بجز** در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید، **مخالفت با حق شرط می‌توان در هر زمان مسترد داشت.**

۳. **بجز** در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا روی نحوه دیگری توافق شده باشد:

الف. انصراف از حق شرط **تنها وقتی در مورد کشور دیگر متعهد واجد اثر حقوقی است که این امر به آن کشور دیگر ابلاغ شده باشد؛**
ب. انصراف از مخالفت نسبت به حق شرط اقدام نموده است، ابلاغ شده باشد.

ماده ۲۳: روش اعمال حق شرط

۱. حق شرط، پذیرش صریح، و یا مخالفت نسبت به آن باید **کتباً تنظیم شود** و به کشورهای متعهد و سایر کشورهایی که حق پیوستن به آن معاهده را دارند ابلاغ گردد.

۲. در صورتیکه حق شرط در هنگام امضای مشروط به تنفیذ یا قبول یا تصویب صورت گرفته باشد، **لازم است کشوری که به ارائه حق شرط اقدام می‌کند، هنگام اعلام رضایت به التزام در قبال معاهده، اقدام خود را رسماً تأیید نماید.** در چنین موردی، تاریخ ارائه حق شرط همان تاریخ تأیید در نظر گرفته خواهد شد.

۳. اگر قبولی تصریح یا مخالفت با حق شرط قبل از تأیید حق شرط بعمل آمده باشد، **احتیاجی به تأیید مجدد آن قبولی یا مخالفت نیست.**

۴. انصراف از حق شرط با مخالفت با آن **باید کتباً تنظیم شود.**

سوال تالیفی: امکان اعمال کدام یک از موارد ذیل مطابق کنوانسیون حقوق معاهدات مشخص نشده است؟

الف- انصراف از انصراف

ب- انصراف از مخالفت با حق شرط

د- تفسیر

ج- حق شرط

گزینه الف صحیح است.

۱- **در رابطه حقوقی میان دولت رزرو کننده و طرفهای متعهد که به آن رزرو ایراد کرده اند کدام پاسخ از نظر کنوانسیون ۱۹۶۹ وین کامل تر است؟**

(۱) چنانچه رزرو قانونی باشد (مطابق با اصول) مخالفت با آن خلاف کنوانسیون حقوق معاهدات و باطل است.

(۲) به جز ماده رزرو شده بقیه مواد رزرو کننده و ایراد کنندگان پس از تصویب معاهده جاری خواهند بود و التزام آور می‌گردند.

(۳) هیچ رابطه حقوقی میان رزرو کننده و ایراد کنندگان برقرار نمی‌شود چون در معاهدات قانون ساز بقیه مواد معاهده و هدف آن مخدوش می‌گردد.

(۴) به غیر از ماده رزرو شده بقیه مواد میان رزرو کننده و ایراد کنندگان جاری خواهند بود مگر ایراد کننده با هر گونه رابطه قراردادی با رزرو کننده مخالفت نماید.

پاسخ تشریحی: رزرو یا «حق شرط» عبارت است از بیانیۀ یک‌جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تنفیذ، قبول، تصویب یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهدات نسبت به خود بیان می‌دارد؛ مسلماً حق شرط به معنای این است که به غیر از ماده رزرو شده بقیه مواد میان رزرو کننده و ایراد کنندگان جاری خواهند بود. معنای مخالف بند ۳ ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق معاهدات^۱ این است که؛ چنانچه کشوری که حق شرط را قبول ندارد؛ از انعقاد قرارداد با رزرو کننده مخالفت نماید؛ در این صورت آن قسمت و به همان میزان (رزرو انجام شده) از مقررات معاهده که موضوع حق شرط واقع شده است، بین آنها اعمال نخواهد شد.

گزینه ۴ صحیح است.

فصل سوم: لازم الاجرا شدن و اجرای موقت معاهداتماده ۲۴: لازم الاجرا شدن معاهدات^۱

۱. یک معاهده به صورت و تاریخی که در معاهده مقرر شده است و یا به طریقی که کشورهای مذاکره‌کننده توافق کرده باشند، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲. در صورتی که معاهده این امر را مقرر نکرده یا توافقی در این مورد نشده باشد، معاهده به محض آنکه تمام کشورهای مذاکره‌کننده رضایت خود به التزام در قبال آن را اعلام کنند، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۳. در صورتیکه اعلام رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده در تاریخی بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده صورت گیرد، معاهده برای آن کشور از زمان تاریخ مؤخر لازم‌الاجرا خواهد بود مگر در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر کرده باشد.

۴. مقررات معاهده ناظر بر تأیید اعتبار متن آن، ثبوت رضایت کشورها به التزام نسبت به معاهده، نحوه و تاریخ لازم‌الاجرا شدن، تحدید تعهد، وظایف امین و سایر موضوعاتی که لزوماً قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده مطرح می‌شود، از زمان پذیرفتن متن معاهده لازم‌الرعايه خواهند بود.

سوال دکتری سال ۹۹ – چنانچه معاهده‌ای حاوی مقرره‌ای یا توافقی درباره چگونگی و زمان لازم‌الاجرا شدن نباشد، کدام گزینه صحیح است؟

(۱) معاهده به محض احراز رضای همه دول مذاکره‌کننده مبنی بر ملزم شدن به معاهده لازم‌الاجرا می‌گردد.

(۲) معاهده در صورت عدم مخالفت رسمی هر یک از دول مذاکره‌کننده لازم‌الاجرا می‌شود.

(۳) معاهده با تبادل اسناد تصویب میان اکثر دولت‌های مذاکره‌کننده لازم‌الاجرا می‌شود.

(۴) در صورت تصویب اکثریت $\frac{2}{3}$ دول متعاقد لازم‌الاجرا می‌گردد.

گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۲۵: اجرای موقت

۱. یک معاهده یا قسمتی از آن در صورتی قبل از لازم‌الاجرا شدن آن موقتاً اجرا خواهد شد که:

الف. معاهده خود چنین امری را مقرر نماید؛ یا**ب. کشورهای مذاکره‌کننده به طریق دیگری در این مورد توافق کرده باشند.**

۲. بجز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا کشورهای مذاکره‌کننده به نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورتیکه کشوری به کشورهای دیگری که ما بین آنها معاهده موقتاً اجرا می‌شود اطلاع بدهد که قصد پیوستن به معاهده را ندارد، اجرای موقت معاهده یا قسمتی از آن در ارتباط با کشور مذکور متوقف خواهد شد.

بخش سوم: رعایت، اجرا و تفسیر معاهدات**فصل اول: رعایت معاهدات**ماده ۲۶: الزام‌آور بودن معاهدات^۲

۱- هر معاهده لازم‌الاجرائی برای طرفهای آن تعهدآور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا گردد.

ماده ۲۷: حقوق داخلی و رعایت معاهدات

یک طرف معاهده نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به عنوان توجیهی برای قصور خود در اجرای معاهده استناد نماید. این قاعده تأثیری بر ماده

۱ - سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶ - کدام دسته از قواعد معاهده، از زمان امضای متن نهایی معاهده لازم‌الاجرا می‌شوند؟

(۱) شروط و قیود نهایی معاهده

(۲) مقررات ضروری برای تحقق اهداف معاهده

(۳) ضمايم معاهده که حاوی آيين های اجرائی است.

(۴) مندرجات مقدمه، چون بیانگر موضوع و هدف معاهده است.

گزینه ۱ صحیح است.

۲ - سوال کارشناسی ارشد سال ۹۷ - کدام معاهدات، از اصل نسبی بودن آثار معاهدات، مستثنا هستند؟

(۱) مربوط به همکاری های نظامی منطقه ای

(۲) دوجانبه یا چند جانبه امنیتی

(۳) انعقاد یافته توسط سازمان های بین المللی

(۴) پدید آورنده وضعیت های عینی

پاسخ تشریحی: یکی از استثناهای وارده بر اصل نسبی بودن آثار معاهدات، این است که معاهدات موجد وضعیتهای عینی (همانند معاهدات ارضی و مرزی یا تاسیس سازمانهای بین‌المللی) نسبت به طرفهای ثالث (که اراده آنها نقشی در شکلگیری و لازم‌الاجرا شدن معاهده نداشته اند) نیز موثر و قابل استناد هستند و مفاد آنها «تعهدات کلیه دولتها در قبال جامعه بین‌المللی» محسوب می‌شوند. با این حال قابلیت استناد به معاهده در قبال ثالث، به معنای الزام آور بودن مفاد معاهده برای ثالث به سبک و سیاقی مشابه با آنچه در ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات پیش بینی شده، نیست.

گزینه ۴ صحیح است.

استثناهای اصلی نسبی بودن معاهدات عبارت است از:

۱- معاهدات موجد حق برای ثالث (تعهد به نفع ثالث).

۲- معاهدات موجد تکلیف برای ثالث (تعهد به ضرر ثالث).

۳- معاهدات مؤسس تابعان جدید حقوق بین‌الملل

۴- معاهدات عام یا قانون ساز.

۵- معاهدات منعقدہ توسط سازمان‌های بین‌المللی.

۶- منشور سازمان ملل متحد.

۴۶ نخواهد داشت.**فصل دوم اجرای معاهدات**

ماده ۲۸: عطف یا ماسبق نشدن معاهدات

به استثنای مواردی که از معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط شود، مقررات یک معاهده برای یک طرف در ارتباط با عمل حقوقی یا واقعه ای که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده صورت گرفته یا وضعیتی که قبل از لازم الاجرا شدن معاهده خاتمه یافته باشد، **تعهد آور نیست.**

ماده ۲۹: قلمرو سرزمینی معاهدات

به استثنای مواردی که از معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط شود، معاهده برای هر طرف **در تمامی قلمرو وی** تعهدآور است.

ماده ۳۰: اجرای معاهدات متعاقب یکدیگر که ناظر بر موضوع واحد باشند

۱. با رعایت ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، حقوق و تعهدات کشورهای طرف معاهداتی که متعاقب یکدیگر و در خصوص موضوع واحدی منعقد میگردند طبق بندهای زیر تعیین خواهد شد.

۲. در موردی که معاهده ای تصریح کند که مشمول یک معاهده قبلی یا بعدی است و یا آنکه نباید مغایر با معاهده قبلی یا بعدی محسوب شود، **مقررات آن معاهده دیگر {قبلی یا بعدی} ملاک خواهد بود.**

۳. در موردی که همه طرفهای معاهده قبلی طرفهای معاهده بعدی نیز باشند ولی معاهده قبلی فسخ نشده و یا اجرای آن موجب ماده ۵۹ معلق نشده باشد، **معاهده قبلی فقط تا حدودی اجرا می شود که مفاد آن با معاهده بعدی منطبق باشد.**

۴. **در موردی که طرفهای معاهده بعدی شامل همه طرفهای معاهده قبلی نباشند:**

الف. بین کشورهای طرف هر دو معاهده، قاعده مذکور در بند ۳ رعایت خواهد شد؛

ب. بین کشوری که طرف هر دو معاهده است و کشوری که فقط طرف یکی از آنها است، **معاهده ای که هر دو کشور طرف آن هستند، حاکم بر حقوق و تعهدات مشترک آنها خواهد بود.**

۵. بند ۴ فوق تأثیری بر ماده ۴۱، یا بر هر مسئله مربوط به فسخ یا تعلیق اجرای یک معاهده طبق ماده ۶۰ و یا بر هر مسئله مربوط به مسئولیت که ممکن است برای یک کشور به سبب انعقاد یا اجرای معاهده ای که مقررات آن مغایر تعهدات آن کشور در قبال یک کشور دیگر در چهارچوب معاهده ای دیگر باشد، پیش آید، نخواهد داشت.

سوال تالیفی: در موردی که همه طرفهای معاهده قبلی طرفهای معاهده بعدی نیز باشند ولی معاهده قبلی فسخ نشده و یا اجرای آن معلق نشده باشد...

الف- معاهده قبلی اجرا می شود.

ب- معاهده قبلی فقط تا حدودی اجرا می شود که مفاد آن با معاهده بعدی منطبق باشد.

ج- معاهده بعدی فقط تا حدودی اجرا می شود که مفاد آن با معاهده قبلی منطبق باشد.

د- هم معاهده قبلی و هم معاهده بعدی به صورت یکسان مجری است.

گزینه ب صحیح است.

فصل سوم: تفسیر معاهدات

ماده ۳۱: قاعده کلی تفسیر

۱. یک معاهده به **حسن نیت و منطبق با معنای معمولی آن** که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد.

۲. به منظور تفسیر یک معاهده، سیاق عبارت، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمیمه نیز می شود، مشتمل است بر:

الف. هرگونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرفهای معاهده در ارتباط با انعقاد آن حاصل شده است؛

ب. هر نوع سندی که توسط یک یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرفهای دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است.

۳. همراه با سیاق عبارت، به موارد زیر نیز توجه خواهد شد:

الف. هرگونه توافق آتی بین طرفهای معاهده در خصوص **تفسیر معاهده** یا اجرای مقررات آن؛

ب. **هر نوع رویه بعدی** در اجرای معاهده که مؤید توافق طرفهای معاهده در خصوص تفسیر آن باشد؛

ج. **هر قاعده مرتبط حقوق بین الملل** که در روابط بین طرفهای معاهده قابل اجرا باشد.

۴. در صورتی که ثابت شود قصد طرفهای معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده خواهد شد.

ماده ۳۲: وسائل تکمیلی تفسیر

از وسائل تکمیلی تفسیر، من جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده میتوان به منظور تأیید معنای متخذ از اجرای ماده ۳۱، و یا تعیین معنای معاهده در صورتی که تفسیر آن طبق ماده ۳۱:

الف. معانی مبهم یا بی مفهوم القا کند؛ یا

ب. منجر به نتیجه ای شود که آشکارا بی مفهوم یا نامعقول باشد، استفاده نمود.^۲

۱- ماده ۴۶: مقررات حقوق داخلی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات

۱. یک کشور نمی تواند با تکیه بر این واقعیت که اعلام رضایت وی به التزام در قبال یک معاهده تجاوزی نسبت به مقررات حقوق داخلی وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به بی اعتباری رضایت خود استناد نماید مگر آنکه تجاوز مزبور بارز بوده و به قاعده های از حقوق داخلی مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است.

۲. تجاوز وقتی بارز است که بر کشوری که بر طبق رویه معمول و حسن نیت در این مورد عمل کرده است، بطور عینی روشن باشد.

۲- **سوال کارشناسی ارشد حقوق سال ۹۷- براساس کنوانسیون وین (۱۹۶۹) راجع به حقوق معاهدات، کدام اصل، از اصول مسلم تفسیر معاهدات است؟**

(۱) عدالت (۲) بی طرفی

(۳) آثار مفید (۴) نسبی بودن

پاسخ تشریحی: اصل آثار مفید: به طور کلی، در تفسیر عبارات و کلمات یک معاهده، آن دسته از معانی را باید پذیرفت که اثر مفید و مطلوبی بر آنها مترتب باشد و

از تفسیرهایی که به نتایجی آشکارا بی معنی و نامعقول منجر می شوند، باید جداً پرهیز نمود (ماده ۳۲ عهدنامه حقوق معاهدات).^۲

گزینه ۳ صحیح است.

۹۹۹۹

۹۹۹

۹۹

۹

۹

۹۹۹۹

پیش‌نویس معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱)

بخش نخست: عمل متخلفانه بین‌المللی یک کشور

فصل نخست: اصول عمومی

ماده ۱: مسئولیت کشور در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی اش

هر عمل متخلفانه بین‌المللی یک کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را به دنبال دارد.

ماده ۲: عناصر یک عمل متخلفانه یک کشور

عمل متخلفانه بین‌المللی یک کشور هنگامی موجود است که رفتار در برگیرنده یک فعل یا ترک فعل:

الف) قابلیت انتساب داشته باشد.

ب) نقض تعهد بین‌المللی کشور را بنیان نهد. (مهم)

تست تالیفی: بر اساس پیش‌نویس معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی عمل متخلفانه بین‌المللی یک کشور هنگامی

به وجود می‌آید که رفتار در برگیرنده یک فعل یا ترک فعل ...

۱- قابلیت انتساب داشته باشد. ۲- نقض تعهد بین‌المللی آن کشور باشد.

۳- مسئولیت آور باشد. ۴- گزینه الف و ب

گزینه ۴ صحیح است.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۶- بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، کدام یک از عناصر زیر، عنصر اصلی تشکیل دهنده مسئولیت

بین‌المللی دولت است؟

۱) تقصیر ۲) خسارت ۳) سببیت ۴) انتساب

گزینه ۴ صحیح است.

ماده ۳: توصیف عمل یک کشور به عنوان متخلفانه از نظر بین‌المللی

توصیف عمل یک کشور به عنوان متخلفانه از نظر بین‌المللی، تحت حکومت حقوق بین‌الملل است. چنین توصیفی، با توصیف همان عمل به عنوان قانونی توسط حقوق داخلی متاثر نمی‌گردد.

فصل دوم: انتساب رفتار به یک کشور^۱

ماده ۴: رفتار ارگانهای یک کشور

۱- رفتار هر ارگان کشوری، باید به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل آن کشور دانسته شود؛ خواه آن ارگان، [وظایف] تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر وظیفه دیگر را صرف نظر از موقعیتی که در سازمان کشور دارد و صرف نظر از ویژگی آن به عنوان ارگانی از دولت مرکزی یا واحد سرزمینی کشور اعمال کند.

۲- یک ارگان، متضمن هر فرد یا واحدی است که موقعیت مزبور را مطابق با حقوق داخلی کشور داراست.

ماده ۵: رفتار اشخاص یا واحدهایی که عناصر اختیار دولتی را اعمال می‌کنند

رفتار یک فرد یا واحدی که به موجب ماده ۴ ارگان کشور نیست، اما به موجب قانون آن کشور دارای اختیار می‌گردد تا عناصر اختیار دولتی را اعمال کند، به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته خواهد شد؛ مشروط بر آن که شخص یا واحد، در موردی ویژه، در آن صلاحیت عمل کنند.

تست تالیفی: رفتار یک فرد یا واحدی که جزء ارگان کشور نیست، اما به موجب قانون آن کشور دارای اختیار می‌گردد تا عناصر اختیار

دولتی را اعمال کند....

۱- به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته خواهد شد.

۲- به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته خواهد شد؛ مشروط بر آن که شخص یا واحد، در موردی ویژه، در آن صلاحیت عمل کنند.

۳- به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته نمی‌شود مگر با قبول مسئولیت عمل انجام شده

۴- به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل کشور دانسته نمی‌شود و این فرد یا واحد استثنائاً مسئولیتی ندارد.

گزینه ۲ صحیح است.

ماده ۶: رفتار ارگانهایی که توسط کشور دیگر، در اختیار کشوری قرار می‌گیرد

رفتار ارگانی که توسط کشور دیگر، در اختیار کشوری قرار می‌گیرد، اگر آن ارگان در اعمال عناصر اختیار دولتی کشوری که سازمان در اختیار وی قرار گرفته است، اقدام کند، به موجب حقوق بین‌الملل به عنوان عمل کشور اخیر (کشور گیرنده ارگان) دانسته خواهد شد.

ماده ۷: تجاوز از اختیار یا نقض دستورها

رفتار ارگانی از یک کشور یا شخص یا کشور یا واحدی که دارای اختیار می‌گردد عناصر اختیارات دولتی را اعمال کند، اگر ارگان، شخص یا واحد در آن صلاحیت عمل کند، باید به موجب حقوق بین‌الملل به عنوان عمل کشور مدنظر قرار گیرد؛ حتی اگر از اختیار خود تجاوز یا دستورها را نقض کند.

۱- سوال کارشناسی ارشد سال ۹۲- از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل کدام یک در زمره عناصر متشکله عمل متخلفانه بین‌المللی دولت قلمداد می‌شود؟

۱) خسارت ۲) سببیت ۳) خطا ۴) انتساب

گزینه ۴ صحیح است. از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل قابلیت انتساب داشتن در زمره عناصر متشکله عمل متخلفانه بین‌المللی دولت قلمداد می‌شود. این عنصر، در فصل دوم پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی کشورها در اعمال متخلفانه بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است.

ماده ۸: رفتار هدایت یا کنترل شده توسط یک کشور

رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت بر مبنای دستورها یا تحت هدایت یا کنترل کشور[ی] عمل کنند، باید به موجب حقوق بین الملل، عمل آن کشور دانسته شود.

سوال کارشناسی ارشد سال ۹۷ - دیوان بین المللی دادگستری، در قضیه فعالیت های نظامی و شبه نظامی ایالات متحده آمریکا در نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، کدام ضابطه را در مورد انتساب اعمال اشخاص به دولت اعمال کرد؟

(۱) کنترل موثر

(۲) کنترل کلی

(۳) هدایت و کنترل مستقیم

(۴) هدایت و کنترل غیر مستقیم

پاسخ تشریحی: دیوان بین المللی دادگستری در رویه خود **معیار کنترل موثر** را برای انتساب مسئولیت بین المللی مورد توجه قرار داده است. دیوان در قضیه نیکاراگوئه و حتی قضیه نسل زدایی، در مورد انتساب اعمال اشخاص به دولت این معیار را (کنترل موثر) برگزیده است. ضمناً پیش نویس کنوانسیون مسئولیت بین المللی دولتها نیز این معیار را پذیرفته است.

نکته: معیار کنترل در طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولتها: کمیسیون حقوق بین الملل در ماده ۸ طرح مسئولیت دولتها بیان داشت: رفتار یک فرد یا گروهی از افراد، طبق حقوق بین الملل، عمل دولت محسوب می شود اگر این فرد یا گروه براساس دستور، هدایت یا کنترل دولت مزبور مرتکب رفتار متخلفانه شوند کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر ماده ۸ طرح خود، هم به رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه و هم به رأی دیوان بین المللی کیفری در قضیه تادیج اشاره می کند. گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۹: رفتار انجام شده در غیاب یا قصور مقامات رسمی

رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص، اگر در حقیقت عناصر اختیاری دولتی را در غیاب یا قصور مقامات رسمی و در شرایطی نظیر مطالبه اعمال آن عناصر اختیار، اعمال می کنند، باید به موجب حقوق بین الملل، عمل آن کشور، دانسته شود.

ماده ۱۰: رفتار یک جنبش شورشی یا [جنبش] دیگر

✓ ۱- رفتار یک جنبش شورشی که دولت جدید یک کشور می گردد، باید به موجب حقوق بین الملل، عمل آن کشور دانسته شود.

✓ ۲- رفتار یک جنبش شورشی یا دیگر که در ایجاد کشوری جدید در بخشی از سرزمین کشور از پیش موجود یا در سرزمینی تحت اداره وی، موفق می گردد، باید به موجب حقوق بین الملل، عمل کشور جدید دانسته شود.

✓ ۳- این ماده، بدون لطمه به انتساب هر رفتار به یک کشور است که باید به موجب مواد ۴ تا ۹ عمل آن کشور دانسته شود؛ اگرچه به رفتار جنبش نیز مربوط گردد.

تست تالیفی: مسئولیت رفتار یک جنبش شورشی که در ایجاد کشوری جدید در بخشی از سرزمین یک کشور از پیش موجود یا در سرزمینی تحت اداره وی، موفق می گردد، بر عهده چه کسی است؟

۱- کشور جدید

۲- کشور از پیش موجود

۳- هم کشور جدید و هم کشور از پیش موجود

۴- مسئولیتی وجود نخواهد داشت.

گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۱۱: رفتار مورد تأیید قرار گرفته و اتخاذ شده توسط یک کشور، به عنوان [رفتار] خودش

رفتاری که به موجب مواد سابق، قابل انتساب به یک کشور نیست، اگر و تا وسعتی که کشور [مزبور]، رفتار مورد بحث را به عنوان [رفتار] خودش، تأیید و اتخاذ کند، باید به موجب حقوق بین الملل، عمل آن کشور دانسته شود.

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

مسلم بدانید:

کتابی که اینگونه کاربردی و بر اساس سوالات آزمون و نکته کار شده است؛ کمک شایانی در قبولی شما خواهد داشت؛ و چون ما به فکر تان هستیم اینگونه کتاب ها را به روز آوری و جامع کار می کنیم! آیا می توانید عین این کتاب را از جای دیگری پیدا کنید؟!

66921002